

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۲۵

شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۴، ۱۹ آوریل ۲۰۲۵

اعدام‌های ۶۷: زخمی که کهنه نمی‌شود

کاظم نیک‌خواه

فایل صوتی تازه‌ای از نشست حسین علی منتظری با اعضای هیئت مرگ سال ۶۷ اخیراً توسط پی‌پی‌سی منتشر شده است. به اینکه چرا این چنین فایل‌هایی در این شرایط منتشر می‌شود و انتشاردهندگان چه اهدافی را دنبال می‌کنند در ادامه اشاره خواهیم کرد. اما به هر حال کشتار ۶۷ که به درست از آن به عنوان قتل عام زندانیان سیاسی نام برده می‌شود، همچون زخمی عمیق بر قلب جامعه، همچنان باز است و باز خواهد ماند و خشم و نفرت و انزجار علیه جانپان و آدمکشان اسلامی را مدام آبیاری می‌کند. طی مدت کوتاهی در تابستان ۶۷ جمهوری اسلامی باندی از قاتلان بی‌رحم را به جان زندانیانی انداخت که بسیاری از آنها جوانان تازه به سیاست گام گزیده‌ای بودند که با امید دستیابی به جامعه‌ای شاد و مرفه و آزاد پا به خیابان گذاشته بودند و با درست‌داشتن یک اعلامیه و نوشته، دستگیر شدند، شدیداً شکنجه شدند و بعد از مدتی به سادگی و با پرچمی تمام و بدون هیچ دادگاه و محاکمه‌ای که حداقل استانداردهای پذیرفته شده را رعایت کند، به جوخه مرگ سپرده شدند و به زندگی کوتاهشان خاتمه داده شد. بسیاری از این زندانیان حتی با قوانین جمهوری اسلامی، مدت محکومیتشان مدت‌ها بود که به سر رسیده بود و می‌بایست آزاد می‌شدند. بی‌رحمی و کشتار فله‌ای این جوانان به راستی باورنکردنی است و در مخپله هیچ انسان معمولی نمی‌گنجد.

چرا خمینی دستور چنین کشتاری را داد؟ چرا حکومت به چنین قتل‌عامی نیاز داشت؟ چرا اکنون بعد از نزدیک به چهل سال این فایل‌ها منتشر می‌شود؟

جمهوری اسلامی بعد از خرداد سال ۶۰ نیز برای عقب راندن فضای انقلابی جامعه شمار زیادی از زندانیان را اعدام کرد. اما در سال ۶۷ شکست در جنگ هشت ساله با دولت عراق، و فضای نارضایتی و اعتراضی گسترده در جامعه در واقع علت اصلی این موج تازه کشتار بود. حکومت در وضعیتی شکست خورده و تحقیر شده قرار داشت و خود را در برابر مردمی که از جنگ و سرکوب‌ها خشمگین بودند، در وضعیتی دفاعی می‌دید. به نظر می‌رسد که وحشت از سرریز شدن شورش‌ها و اعتراضات مردمی، خمینی و دیگر دست‌اندرکاران حکومت را به صرافت دور تازه‌ای از خونریزی برای ایجاد رعب و وحشت در سطح جامعه انداخته باشد. حکومت می‌خواست به مردم پیام دهد که به هیچ قیمتی در مقابل اعتراضات کوتاه نخواهد آمد و از قدرت دست نخواهد کشید. عملیات و لشکرکشی سازمان مجاهدین در غرب کشور تحت نام "فروغ جاویدان" به کمک دولت صدام حسین، بهانه را به دست جمهوری اسلامی داد و مدت کوتاهی پس از

ادامه در صفحه ۲



نامه حمید تقوایی به برنی سندرز

صفحه ۳

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

به سوی یک اول مه متحد و باشکوه

صفحه ۴

به استقبال یک اول مه پر شکوه و سراسری برویم

شهلا دانشفر

صفحه ۵

وضعیت کار و کارگری در استان‌های کردنشین ایران

(۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴)

نگاهی آماری به وضعیت اشتغال در مناطق کردنشین

سیاوش مدرسی

صفحه ۷

خطوط قرمز جمهوری اسلامی، در حال

محدودتر شدن

مهران محبی

صفحه ۹

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین

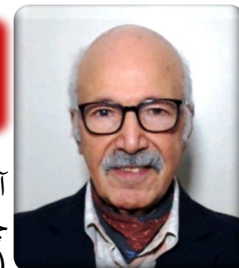
حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با امیر توکلی

صفحه ۱۰

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۳



اعدام‌های ۶۷ زخمی که کهنه نمی‌شود از صفحه نخست

آن به دستور خمینی و با احکام هیئت مرگ چهارنفره یعنی نیری (حاکم شرع)، اشراقی (دادستان)، رئیسی- (معاون دادستان) و پورمحمدی (نماینده وزارت اطلاعات)، کشتارها از زندان اوین آغاز شد. شمار اعدام‌شدگان از ۳۰۰ نفر تا نزدیک به ۵ هزار نفر ذکر شده است. برخی منابع شمار اعدامیان را بیش از اینها ذکر می‌کنند. خانواده‌ها مدت‌ها بعد از اعدام‌ها از اعدام عزیزانشان مطلع شدند. اعدام‌ها از اعدام وابستگان به مجاهدین آغاز شد و سپس نوبت به چپ‌ها رسید که وسیعاً قتل‌عام شدند.

در مورد بی‌رحمی خمینی و احمد خمینی و هیئت مرگ در این جنایت هرچه بگوییم کم گفته‌ایم. در مورد مظلومیت زندانیان هرچه بگوییم کم گفته‌ایم. کلمات به‌هیچ‌وجه قادر به توصیف این جنایت عظیم و به‌ویژه درد و رنج پدران و مادران و فرزندان و همسران و مردمی که عزیزانشان به‌سادگی اسیر و شکنجه و کشتار شدند، نیستند. مردم انقلاب کرده بودند که از ساواک و سرکوب و دیکتاتوری شاه خلاص شوند. اما موجوداتی به‌جای آنها بر جامعه حاکم شدند که شکنجه‌گران ساواک و حکومت آریامهری را روسفید کردند و سر سوزنی برای جان و زندگی مردم ارزش قائل نبودند و بدون ذره‌ای رحم به جان اسرای زندانی افتادند. زندانیانی که بسیاری از آنها فله‌ای در خیابان‌ها اسیر شده بودند.

منتظری و اعدام‌ها

اما آیا واقعاً منتظری مخالف اعدام و سرکوب بود؟ چرا او همان زمان به طور علنی علیه این سیاست سخنی نگفت و موضعی نگرفت؟

منتظری مخالف اعدام نبود. او در این فایل‌ها آشکارا نشان می‌دهد که با اعدام‌های وسیع جمهوری اسلامی در زندان‌ها مخالف است. نه به این دلیل که کلاً با مجازات اعدام مخالف است. بلکه به این دلیل که این اعدام‌ها را به زیان اسلام و آخوندها و نظام اسلامی می‌داند. او از خشم و نفرت مردم در سطح کشور و در سطح جهان علیه حکومت نگران است و همین را به‌وضوح بیان می‌کند. او می‌گوید "آبروی ما رو در دنیا بردند، اونقدر جامعه بین‌المللی ما رو محکوم کردند، خانواده‌ها همه داغدار شدند، ناراحت شدند، اون‌هایی که تو زندان‌ها تشکیلات داشتند، یا با اون‌ها مراوده داشتند، اشراقی می‌ومد محاکمه می‌کرد، محکوم می‌کردند، فرض کن ۱۰۰ نفر، بعد اون ۱۰۰ نفر رو هم اعدام می‌کردن" او حتی با سنگسار مخالف نیست و می‌گوید سنگسار مجاز است اما زنی که از گودال سنگسار خود را بیرون کشیده و فرار کرده نمی‌بایست دستگیر می‌شد و مجدداً سنگسار می‌شد. این به‌راستی مضحک است که این چنین موضع‌گیری‌هایی را کسانی می‌خواهند به‌عنوان مواضع پیشرو و انسانی به

خورد مردم آگاه این جامعه بدهند. منتظری با مواضع خمینی و به‌ویژه احمد خمینی زاویه داشت و معتقد بود که احمد خمینی دارد به نظام اسلامی لطمه می‌زند و همین سایه‌روشن‌ها باعث شد که در سال ۶۸ طرد و خانه‌نشین گردد. اما حتی بعد از طرد شدن و خانه‌نشین شدن نیز صراحتاً و علناً علیه اعدام و سنگسار موضع‌گیری نکرد. او رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی بود و گفته می‌شود که حتی پستی به نام ولایت فقیه با نظر و ابتکار او در قانون اساسی حکومت گنجانده شد.

به‌هرحال منتظری مرده است و حکومتش در سرایش سقوط قرار دارد و نقد او امروز جایی ندارد. مسئله این است که جریاناتی مثل بی‌بی‌سی و برخی اصلاح‌طلبان حکومتی تلاش می‌کنند با توسل به فایل‌های صوتی او، اسلام و بخشی از آخوندها را از نفرت عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی مبرا کنند. می‌خواهند نشان دهند که همه جناح‌های جمهوری اسلامی جنایت‌کار و مرتجع و آدمکش نیستند. دقیقاً به این دلیل است که این نوع فایل‌ها این روزها منتشر می‌شود. دقیقاً حکمت انتشار امروز فایل‌های صوتی منتظری همین است. در فضایی که نفرت از آخوند و اسلام و جمهوری اسلامی در سراسر جامعه موج می‌زند برخی جناح‌های حکومتی و یا جریاناتی که مثل بی‌بی‌سی سابقه حشرونشر با جناح‌های جمهوری اسلامی را دارند تلاش می‌کنند هم خود و هم جناحی از حکومت را در پیشگاه مردم تبرئه کنند.

روشن است که این تلاش‌ها محکوم به شکست است. کار حکومت اسلامی و اسلام سیاسی از این حرف‌ها گذشته است. جنایات این حکومت کاری کرده است که جایی برای نجات یا تبرئه هیچ بخشی از این حکومت باقی نمانده است و تقلاهایی که برای تبرئه این مرتجعین صورت می‌گیرد نفرت‌انگیز و محکوم به شکست است.

امروز با انقلاب زن، زندگی، آزادی همه کس می‌داند که زن و مرد و پیر و جوان در این کشور علیه حکومت اسلامی و کلاً دخالت مذهب در دولت و آموزش هستند. بخش‌های وسیع مردم نه فقط علیه اعدام و سنگسار و سنت‌های کثیف و ضدانسانی اسلامی هستند، بلکه تلاش و مبارزه می‌کنند که آخوند و مذهب و خرافه و عقب‌ماندگی از صحنه سیاسی جامعه به طور کامل کنار زده شود و پیشروترین و انسانی‌ترین و مدرن‌ترین سنت‌های امروز بشری در جامعه جاری شوند. آزادی بی‌قید و شرط سیاسی، آزادی کامل زنان از تعرضات مذهبی، برابری کامل زن و مرد، رفاه برای تک‌تک شهروندان، ممنوعیت اعدام، و کلاً مخالفت با ارتجاع و کل تبعیضات طبقاتی و اجتماعی به باور عمومی توده مردم در ایران تبدیل شده است و در این جامعه ابعاد اجتماعی پیدا کرده است. مردم در ایران به تجربه، مذهب و آخوند و سنت‌های اسلامی را ابزار دزدی و جنایت و سرکسسه کردن خود می‌دانند و در پی جارو کردن آن از صحنه سیاسی جامعه هستند. نتیجه آشکار اینکه بدون تردید کل نظام اسلامی و کل سنت‌های سیاسی‌اش در آینده نه‌چندان دوری به زیاله‌دان انداخته خواهد شد و هیچ تلاش و تقلایی آن را نجات نخواهد داد. *

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و داغ‌خواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشاداتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است.

حزب کمونیست کارگری ایران

نامه حمید تقوایی به برنی سندرز

به سناتور برنی سندرز

۱۷ آوریل ۲۰۲۵

برنی سندرز عزیز



مبارزه شما بخشی از یک جنبش جهانی علیه وضع موجود در همه کشورها است. جنبشی. پیشرو که در دهه‌های اخیر از تقابل نود و نه درصدی‌ها و یک‌درصدی‌ها در جنبش اشغال تا انقلابات بهار عرب، از جنبش "نمی‌توانم نفس بکشم" در آمریکا تا اعتراضات "جلیقه‌زرها" در فرانسه، و از جنبش "من چارلی هستم" تا سريلند کردن انقلاب شکوهمند زن، زندگی، آزادی در ایران، تداوم داشته است.

امروز جنبش زن، زندگی، آزادی یک برآمد عظیم این خیزش است؛ جنبه دیگری که پرچم تمدن و آزادی و انسانیت را علیه دیکتاتوری آیت‌الله‌های میلیاردی برافراشته است. مردم ایران قریب سه سال است مبارزه بی‌امانی را با رژیم که نوع اسلامی دروغگویی، عوام‌فریبی و خودکامی ترامپیستی است به پیش می‌برند و از این نقطه‌نظر کمپین "مبارزه با الیگارشی" و "انقلاب زنانه" ایران همسو و هم‌جهت هستند.

امیدوارم کمپین شما گامی مؤثر باشد در جهت رهایی نه‌تنها از ترامپ و ترامپیسم بلکه از سیستمی که چنین رئیس‌جمهوری را تولید می‌کند و به آن نیاز دارد! خلع مولتی‌میلیاردرهای یک‌درصدی از قدرت سیاسی می‌تواند گامی در جهت خلع‌ید کل طبقه سرمایه‌دار و استقرار سوسیالیسم باشد.

در این مبارزه حزب ما، به همراه سازمان‌ها و جنبش‌های مترقی دنیا، همگام و در کنار شما است.

موفقیت کامل کمپین شما را آرزو مند.

در همبستگی

حمید تقوایی

لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

کمپین "مبارزه با الیگارشی" شما مبارزه‌ای تنها علیه یک رئیس‌جمهور فوق‌ارتجاعی و خودکامه نیست؛ بلکه گامی است در راستای پایان دادن به سلطه یک‌درصدی‌ها در آمریکا و در سراسر جهان!

ترامپیسم نه یک پدیده صرفاً آمریکایی است و نه یک زائنده تصادفی در نظام سرمایه‌داری. این مرحله نهایی یک روند قهقراپی جهانی است که با تاجریسم و ریگنیسم آغاز شد و با "جنگ علیه تروریسم"، تهاجم به عراق و افغانستان، ظهور اسلام‌گرایی و تروریسم اسلامی در خاورمیانه و در سراسر جهان، سقوط اقتصادی ۲۰۰۸، ظهور راست افراطی در غرب، سلطه الیگارشی بوتین و شرکا در روسیه، و، همانطور که آمار آکسفام اعلام می‌کند و کنفرانس داووس سال‌به‌سال هشدار می‌دهد، شکاف عظیم و فزاینده بین فقر و ثروت در سراسر جهان، ادامه یافت.

این روند قهقراپی اکنون به نتیجه منطقی خود رسیده است. امروز، مولتی‌میلیاردرهای یک‌درصدی در قدرتمندترین اقتصاد جهان، مستقیماً قدرت سیاسی را به دست می‌گیرند و قدرت اقتصادی خود را به سلطه مطلق سیاسی تبدیل می‌کنند. این می‌تواند پایان نه‌تنها لیبرال دموکراسی، بلکه پایان تمدن باشد. می‌تواند... مگر اینکه البته جهان متمدن به خود سازمان دهد و به میدان بیاید. شما و الکساندریا اوکاسیو کورتز دقیقاً در همین جهت گام برمی‌دارید. این مبارزه می‌تواند و باید از به چالش کشیدن ترامپیسم فراتر برود و مشروعیت، اعتبار و مطلوبیت نه‌تنها سلطه یک‌درصدی‌ها بلکه کل نظام سرمایه‌داری را به زیر سؤال ببرد.



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران به‌سوی یک اول مه متحد و باشکوه

برای ریشه‌کن کردن این ستم‌ها و رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و انسانی است.

اول مه فرصتی است که همه بخش‌های تحت ستم جامعه و همه فعالین زن زندگی آزادی همبستگی خود را با اعتراضات کارگری مستحکم کنند و علیه فقر و فساد، علیه تبعیضات فاحش طبقاتی و برای سرنگونی حکومت اسلامی صفوفشان را فشرده‌تر کنند. این تنها افق پیش روی جامعه برای رهایی از شر حکومت اسلامی و رهایی از همه مصائب حاکم بر جامعه است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی فقر غیر قابل توصیفی به اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده است، در شرایطی که رژیم در اوج ضعف و بحران قرار داد و شکست‌های زیادی از زنان شجاع و مردم انقلابی و معترض خورده و خاکریزهای متعددی را از دست داده است، اول مه فرصتی است برای عرض اندام متحدانه و قدرتمند فعالین جنبش کارگری و همه جنبش‌های آزادی‌خواهانه و همه مردم ستم‌دیده علیه این رژیم. در عین حال اول مه فرصتی است برای طبقه کارگر و فعالین و تشکل‌های آن که پرچم رهایی کل جامعه را هر چه مصمم‌تر برافرازد و در پیشاپیش جامعه معترض و ملت‌هپ ایران این وضع را تماماً عوض کند و آزادی و برابری و رفاه را مستقر کند. پیش به‌سوی یک اول مه قدرتمند و تاریخی!

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۴، ۱۷ آوریل ۲۰۲۵

به اول مه، روز جهانی کارگر، نزدیک می‌شویم. بیش از ۱۳۰ سال است که روز جهانی کارگر الهام‌بخش و سمبل مبارزه و تلاش برای زندگی بهتر، و آزادی و رهایی بشر بوده است. رهایی از استثمار و بردگی مزدی و اعلام کیفرخواست نه‌تنها علیه استثمار و ستم اقتصادی بلکه همچنین علیه همه تبعیضات و بی‌عدالتی‌ها، علیه سرکوب‌ها و بی‌حقوقی‌ها و علیه همه مصائب جامعه. رهایی جامعه در گرو رهایی از بردگی مزدی، رهایی از استثمار و تبعیض و نابرابری است.

تا بردگی مزدی و استثمار هست، تا نظام سرمایه‌داری حاکم است، تا اقلیتی مفت‌خور و میلیاردر همه امکانات جامعه را در چنگ خود گرفته‌اند، نه‌تنها فقر و بیکاری و بی‌خانمانی، بلکه ستم سیاسی و سرکوب و انواع تبعیضات و بی‌حقوقی‌ها نیز هست. این بی‌حقوقی‌ها و تبعیضات ذاتی این نظام و شرط بقای آن است.

نظام اسلامی حاکم بر ایران، به‌عنوان یکی از عقب‌مانده‌ترین، هارترین و فاسدترین رژیم‌های سرمایه‌داری، مصداق بارز همه این بی‌حقوقی‌ها و تبعیضات است و جهنمی واقعی بر اکثریت عظیم مردم حاکم کرده است. بی‌جهت نیست که همبستگی عمیقی میان بخش‌های مختلف جامعه علیه این نظام شکل گرفته است. کارگر و بازنشسته، معلم و پرستار، زن و دانشجو، هنرمند و ورزشکار، نویسنده و وکیل که مورد انواع خشونت‌ها و ستم‌های وحشیانه این نظام‌اند، به اشکال مختلف از یکدیگر حمایت می‌کنند و بر خواست‌های انسانی کل جامعه تأکید می‌کنند. اگر جمهوری اسلامی مصداق بارز همه ستم‌های سرمایه‌داری است، همبستگی بخش‌های مختلف جامعه نیز مصداق بارز امر و عزم مشترک جامعه

۱ می روز جهانی کارگر گرامی باد

کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد

Happy labor day

به استقبال یک اول مه پر شکوه و سراسری برویم



شهلا دانشفر

امسال در شرایطی روز جهانی کارگر را گرامی می‌داریم که اقتصاد فلج‌تر از هر وقت است. سونامی گرانی و بیکاری و بی‌تامینی بیدار می‌کند. حکومت از پاسخگویی به نیازهای اولیه جامعه چون برق و آب و... ناتوان است. در عین حال بازار اختلاس و چپاول‌های نجومی همچنان داغ و ویرانگر است. این شرایط جامعه را به نقطه انفجار رسانده است و ما با جنبشی اجتماعی و گسترده بر سر معیشت و رفاه در سطح جامعه روبرویم که جنبش کارگری یک ستون مهم آن است.

به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی رنگ و روی روزهایی چون روز جهانی کارگر که روز اعتراض به همه وجوه سرمایه‌داری وحشی، حاکم و چالش حکومت در تمام زمینه‌هاست متفاوت شده و مهر انقلاب و گفتمان‌های آن را بر خود گرفته است. دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی بر مبارزات مردم برای سرنگونی حکومت عمق بخشید و در بیش از دو سالی که از انقلاب می‌گذرد گفتمان‌های جامعه هر روز رادیکال‌تر، متعین‌تر، و شفاف‌تر شده و صف مردم سازمان‌یافته‌تر شده است.

جمهوری اسلامی با سرکوب وحشیانه انقلاب را از خیابان‌ها جمع کرد، اما در این دو سه ساله جنبش انقلابی در اشکال بسیار متفاوت و تعرضی ای ادامه یافت تا دوام پیدا کرد و مردم نه فقط حجاب و آپارتاید جنسیتی را زیر پا له کردند، بلکه علیه سرکوب و اعدام‌ها و علیه تعرضات حکومت در ایستاده‌اند. به‌ویژه در روزهای پایانی سال ۱۴۰۳ و آغاز سال جدید مردم با رقص و شادی آن‌هم در ایام رمضان فتح این خاکیز مهم حکومت را رسمیت بخشیدند و کل بساط آپارتاید جنسیتی را به چالش کشیدند.

امسال همچنین در شرایطی روز جهانی کارگر را گرامی می‌داریم که سایه تقابل نظامی و خطرات آن سنگینی می‌کند و مردم به تجربه دریافته‌اند که پاسخ همه این بلاها خودشان و رهایی از جهنم جمهوری اسلامی است.

بعلاوه امسال در حالی به تدارک اول ماه مه این روز مهم اعتراضی سراسری می‌رویم که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیت و با صفوفی درهم‌ریخته خود را در مقابل مردمی می‌بیند که در کمین فرصتی برای پایان دادن به این جهنم هستند. جمهوری اسلامی شکست‌های سختی در منطقه خورده و در برابر فشارهای ترامپ در موضع تسلیم به پای میز مذاکره کشیده شده است. در عین حال اقتصادش فلج شده و دلار به بالای صد هزار تومانی رسیده و هیچ راه‌حلی برای پایان دادن به ورشکستگی اقتصاد و تخفیف بحران ندارد.

در چنین شرایطی است که از یکطرف تعرضات معیشتی حکومت بر کارگران و کل جامعه شدت یافته است و از سویی جمهوری اسلامی مثل ماری زخم‌خورده می‌کوشد با تشدید سرکوبگری‌هایش و افزایش شمار اعدام‌ها، اعتراضات جامعه را عقب بزند. در مقابل این سرکوب‌گری‌ها جنبش علیه اعدام و اعتراض برای آزادی زندانیان گسترش یافته است و علی‌رغم این سرکوبگری‌ها اعتراضات گسترده است.

در بستر چنین شرایطی به استقبال برگزاری یک روز اعتراضی بزرگ و سراسری در ایران می‌رویم

محورهای مهم در تدارک یک اول ماه مه باشکوه

۱- نه تنها کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان بلکه ده‌ها میلیون نفر دیگر از مردم فقیر حاشیه‌نشین، جوانان بیکار و دانشجویان و اقشار فقیر جامعه، اکثریت عظیم مردم نقاطی مانند سیستان و بلوچستان و

صدها هزار کارمند در اوج فقر و محرومیت به سر می‌برند. روز جهانی کارگر روز به میدان آمدن نه تنها کارگران بلکه همه این مردم است: همه مردم سرنگونی طلب، همه فعالین زن زندگی آزادی، بازنشستگان و معلمان و دانشجویان، زنان معترض، حاشیه‌نشینان و مردم کردستان و بلوچستان، و همه مردمی که زیر بار فقر و گرانی کمرشان خرد شده است. روز کارگر روز به اهتزاز در آمدن پرچم رهایی به زیر خط فقر رانده‌شدگان، روز به حرکت درآوردن این توده‌های عظیم معترض، و روز "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" است. اول مه روز بلندکردن پرچم مطالبات اقتصادی و سیاسی یک جامعه معترض و به‌پاخاسته است. بگذار روز جهانی کارگر در هر محل کار و تحصیل، در هر محله و خیابانی، در هر پارک و میدانی در سراسر کشور روز بیرون آمدن، تجمع و اعتراض کردن، شادی کردن و جشن گرفتن، و شعار دادن و شعار نوشتن باشد.

۲- یک گفتمان مهم اول مه این است که اجازه نمی‌دهیم تبلیغات جنگی و گذاشتن دوراهی مذاکره یا جنگ بر گفتمان اصلی جنبش انقلابی جاری در جامعه سایه بیندازد. تم اصلی روز جهانی کارگر سرنگونی جمهوری اسلامی و نقطه پایان گذاشتن به صدسال حاکمیت ظلم و استثمار و همه وجوه توحش و بربریت سرمایه‌داری حاکم. همان تمی که بعد از ۱۴۰۱ محور اصلی تبلیغات چنین روزی شده است.

۳- به لحاظ موضوعات فوری معیشتی خواست افزایش چندین برابری دستمزدها و افزایش آن به بالای نرخ سبد معیشتی ۶۰ میلیونی و خواست‌های رفاهی ای چون درمان و تحصیل رایگان برای همه، بیمه بیکاری و مقرر شدن حقوق پایه برای همه افراد بدون درآمد و کم‌درآمد، تسهیلات لازم برای تأمین مسکن، ممنوعیت کار کودکان، ایمن شدن فوری محیط‌های کار و نیز حذف بیمه‌انکاران و پایان دادن به شکل بردوار استخدام‌های موقت که ۹۷ درصد استخدام‌ها را در بر می‌گیرد و کارگران نفت نیروی معترض فعال آن هستند، از جمله موضوعات فوری مورد بحث در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های روز جهانی کارگر است. به موازات آن ضروری است که اعتراض سراسری علیه سرکوب و اعدام و زندان محورهای سراسری اعتراضات کارگران و کل جامعه باشند.

۴- شعارهای اعتراضی بازگوکننده محتوای اعتراض در هر مناسبت است. شعارهایی که می‌تواند محورهای اصلی شعارهای اعتراضی کارگری در تجمعات و اعتراضات روز جهانی کارگر امسال باشد. عبارت‌اند از: "زن زندگی آزادی"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد، "اعدام، نه"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و گرانی"، "نه به آپارتاید جنسیتی"، "جنگ افروزی را رها کن فکری به حال ما کن"، "حکومت ضد زن سرنگون، سرنگون"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر، معلم، پرستار، بازنشسته اتحاد اتحاد"، "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه"، "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر"، "آزادی، آزادی، آزادی"، "اختلاس‌های نجومی، فلاکت عمومی"، "روسی را رها کن، تورم را مهار کن"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست".

با شعارنویسی بر درودیوار روز جهانی کارگر را گرامی بداریم.

عکس‌های کارگران زندانی، معلمان زندانی و افراد زیر خطر اعدام مثل عباس دریس، شریفه محمدی، پخش‌ان عزیز و... را همه‌جا بر دیوار شهرها نصب کنیم و در تجمعات همراه داشته باشیم.

به مناسبت روز جهانی کارگر همچنین می‌شود به تدارک شعاردهی‌های شبانه رفت و بار دیگر فریاد زن زندگی آزادی

به استقبال یک اول مه پر شکوه و سراسری برویم
از صفحه ۵

و مرگ بر دیکتاتور را بر فضای شهرها طنین انداز کرد.

۵- اول مه جشن همبستگی مبارزاتی سراسری با رقص و موزیک و شادی است. اول مه را به صورت جشن و تجمع و راهپیمایی و تظاهراتی اعتراضی در محلات و در خیابان و در پارک ها برگزار کنیم. با به راه انداختن موزیک های خیابانی و در متروها و در هر کوی و خیابان می شود جشن اول مه را برپا کرد. حضور خانواده ها در جشن های اول مه یک فاکتور مهم در برپایی یک اول مه توده ای و شاد است.

و بالاخره گفتمان اول مه را همه جا جاری کنیم. در کلاس های درس بر سر روز جهانی کارگر گفتگو داشته باشیم. در دانشگاه ها اجتماعات اول مه را برپا کنیم و در محیط های کار بنرهای گرامیداشت روز جهانی کارگر را نصب کنیم و شیرینی پخش کنیم.

۶- مدیای اجتماعی یک کانون داغ گرامیداشت روز جهانی کارگر است. به مناسبت اول مه توفان توپتری بر پا کنیم و مدیای اجتماعی را به رنگ این روز اعتراضی در بیاوریم.

- برگزاری جلسات ویژه روز جهانی کارگر در مدیای اجتماعی، پخش وسیع عکس و پوستره های کارگران زندانی و افرادی که زیر خط اعدام هستند و تأکید بر آزادی همه آنها، پیام های ویدئویی کوتاه به مناسبت روز جهانی کارگر از سوی فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، خانواده های دادخواه، ال جی پی کیوها و غیره و پخش آن در مدیای اجتماعی بخش دیگری از گفتمان سازی بر سر اول مه، روز جهانی کارگر است.

مراسم های گرامیداشت روز جهانی کارگر

- اول مه کار را تعطیل کنیم و به تدارک تجمعات ویژه روز جهانی کارگر در مقابل مراکز دولتی همچون مجلس، اداره کار، وزارت کار و تأمین اجتماعی برویم. بازنشستگان در دو سال اخیر با فراخوان هایشان به تجمع به مناسبت روز جهانی کارگر در محل تجمعات همیشگی خود مقابل تأمین اجتماعی سنت این کار را بنا کرده اند. بازنشستگان امسال نیز مثل سال های گذشته می تواند پیشواز برگزاری جشن اول مه باشند و تجمعات خود در این روزها را به گرامیداشت اول مه اختصاص دهند و با برافراشتن بنر روز جهانی کارگر و سخنرانی های پرش شور خود و پخش شیرینی و سردادن شعارهای اعتراضی شان، روز جهانی کارگر را گرمی بدارند.

- شکل دیگر برگزاری اول مه در مراکز کارگری است. از جمله اختصاص ساعت اول قبل از شروع کار به گرامیداشت این روز و برافراشتن بنر روز جهانی کارگر و سخنرانی کوتاه به این مناسبت است. نیشکر هفت تپه تجربه آن را دارد و می شود این تجربه را تکثیر کرد.

- معلمان از فرصت اتصال روز جهانی کارگر و روز معلم که دوازده اردیبهشت است اعلام اعتراض کنند. بیانیه دهند و گرد همایی های را تدارک ببینند. معلمان در سال های گذشته بر همین روال کار کرده اند و امسال نیز می شود با بهره گرفتن از تجربه های قبلی به استقبال برگزاری یک اول مه و روز معلم پرشوری رفت.

- کارگران نفت خصوصاً کارگران ارکان ثالث و پالایشگاه های پارس جنوبی و مناطق نفت خیز جنوب در اهواز که یک کانون داغ اعتراضات کارگری در یک ساله اخیر بوده است، می توانند تجمعات اعتراضی خود در حواله وحوش روز جهانی کارگر را به روز گرامیداشت اول مه و تأکید بر خواست های و مطالباتشان اختصاص دهند و می شود از هم اکنون تدارک آن را دید. شعارنویسی در مراکز نفتی، صدر بیانیه ویژه روز جهانی کارگر، و

تجمعات مقابل پالایشگاه ها اشکالی از گرامیداشت روز جهانی کار در نفت است که تجربه اش را قبلاً داشته ایم.

- شهرهای کردستان به ویژه سنندج کانون داغ گرامیداشت اول مه بوده است. باز کردن گفتمان آن با فعالین در این شهرها به ویژه با معلمان و فعالین کارگری و جوانان محلات و اکتیویست های فعال زن و خانواده های دادخواه و دیگر اکتیویست های اجتماعی یک گام اولیه آن است. رفتن به میان مردم، پخش گل و شیرینی در میان مردم و شادباش گفتن این روز، در کردستان و به ویژه در شهر سنندج سنت است. می توان امسال این سنت زیبا را گسترده تر در تمام شهرهای کردستان احیا کرد. سنندج می تواند یک مرکز مهم اول مه و گرامیداشت آن باشد.

- گرفتن سالن برای برگزاری اول مه. پیام های کوتاه حاضرین و بعد جشن گرفتن مثل تجربه هشت مارس تهران ابتکار دیگری برای برگزاری روز جهانی کارگر است.

بر اساس همه این محورها از هم اکنون گفتمان های برگزاری روز جهانی کارگر را شروع کنیم. این کار را می شود با پخش یک پوستر سراسری برگزاری روز جهانی کارگر و با نوشته زن، زندگی، آزادی، گرمی باد اول مه، روز جهانی کارگر آغاز کرد. دست به کار شعارنویسی های خیابان و پخش تراکت و اعلامیه و نصب بنر در خیابان ها و مراکز مختلف شهر شد. برای روزهای نزدیک به روز جهانی کارگر شعاردهی های شبانه را تدارک دید و برای روز جهانی کارگر تئاتر و موزیک خیابانی و تشکیل زنجیره انسانی و همخوانی سرودهای اعتراضی و برپایی رقص و شادی را تدارک دید و محلات و مدارس و دانشگاه ها می توانند کانون های داغ چنین اشکالی از اعتراض باشند.

۵- اتحاد تشکل ها و اکتیویست های کارگری و اجتماعی برای برگزاری یک اول مه باشکوه

اتحاد تشکل ها و اکتیویست های کارگری و اجتماعی یک فاکتور مهم برای برگزاری یک اول مه با قدرت و توده ای است. یک قدم مهم این اتحاد بیانیه های مشترک کارگری و اجتماعی با امضاهای هر چه بیشتر است. برگزاری سمینارها و کنفرانس هایی بر سر روز جهانی کارگر و حضور طبق های مختلفی از اکتیویست کارگری و اجتماعی در این نشست ها است. بیانیه ها و قطعنامه های اول مه به طور واقعی می تواند محورهای برای اتحاد مبارزاتی امضاکنندگان آن و شکل دادن به قطع رادیکال و معترض جامعه باشد.

روز جهانی کارگر می تواند روزی از اعتراض سراسری و وسیع مردمی باشد و در سیر تحولات جاری جامعه به نقطه عطفی برای پیروی بیشتر تبدیل شود. به تدارک یک اول مه سراسری، اجتماعی و توده ای و شاد و اعتراضی برویم.

شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۴ فروردین ۱۴۰۴، آپریل ۲۰۲۵



وضعیت کار و کارگری در استان‌های کردنشین ایران (۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴)

نگاهی آماری به وضعیت اشتغال در مناطق کردنشین



سیاوش مدرسی

توضیح: آمار ارائه شده در این متن از مراجع حکومتی گرفته شده و در بسیاری از موارد کاملاً مورد اعتماد نیست؛ اما شرایط مورد بررسی چنان حاد و مشکلات

چنان عظیم هستند که از دل همین آمار هم قابل تشخیص هستند. در این مطلب هدف تنها ارائه تصویری کلی از شرایط اشتغال و معیشت در مناطق کردنشین است.

استان‌های کردنشین ایران همچون کردستان، کرمانشاه و دیگر نواحی کردنشین آذربایجان غربی از نظر توسعه صنعتی در سطحی پایین‌تر از میانگین کشوری قرار دارند. عمده واحدهای تولیدی این مناطق کوچک و متوسط‌اند و تنها شمار محدودی از صنایع بزرگ در آن‌ها فعال است. واحدهایی که در دهه‌های گذشته فعال بودند، بسیاری تعطیل شده یا در آستانه تعطیلی‌اند.

در استان کرمانشاه، اگرچه صنایع شاخصی همچون پتروشیمی، پالایشگاه و سیمان فعالیت دارند، اما همچنان سهم اشتغال صنعتی پایین‌تر از میانگین کشوری است و وابستگی اقتصادی به بخش‌های خدمات و کشاورزی ادامه دارد. تا پایان ۱۴۰۲، حدود ۸۰۰ واحد صنعتی در این استان فعال است.

در آذربایجان غربی، حدود ۵۲۰ واحد صنعتی و تولیدی ثبت شده، اما در نواحی کردنشین جنوبی مانند مهاباد، سردشت و پیرانشهر، صنعت غالباً محدود به کارگاه‌های کوچک صنایع غذایی، دستی و سنتی است.

ساختار اقتصادی استان‌های کردنشین بیشتر بر کشاورزی و خدمات استوار است و صنعت در آن‌ها سهمی کمتر از میانگین سراسری دارد. بسیاری از کارخانه‌ها در شهرک‌های صنعتی مستقر شده‌اند، اما زیرساخت ضعیف، سد راه توسعه صنعتی شده است. از ویژگی‌های دیگر صنعت در این نواحی حضور کم‌رنگ زنان در بازار کار است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در این استان‌ها پایین است و نرخ بیکاری زنان به مراتب بالاتر از مردان است. در کرمانشاه، نرخ بیکاری زنان در تابستان ۱۴۰۳ به ۲۱/۳٪ رسید، بیش از ۱۰ درصد بالاتر از مردان. در کردستان نیز بیکاری زنان جوان به بالای ۵۰٪ رسیده است.

در آذربایجان غربی، نرخ بیکاری زنان تنها ۵٪ گزارش شده اما دلیل آن، مشارکت بسیار پایین اقتصادی زنان است و به معنای وضعیت بهتر آنان نیست. زنان شاغل اغلب در بخش کشاورزی یا کارگاه‌های خانگی و صنایع کوچک حضور دارند. سهم آن‌ها در مشاغل خدماتی شهری پایین است. معضل بیکاری جوانان نیز بحرانی است که در سطح سراسری نیز به چشم می‌خورد. در همه استان‌های مورد بررسی، بیکاری جوانان بسیار بالاست. این مسئله به‌ویژه برای دختران جوان نگران‌کننده است و چشم‌انداز بازار کار را تیره می‌کند.

در سایه این شرایط اقتصادی بحرانی کولبری به مثابه شغلی بی‌نام و بی‌پناه در سایه اقتصاد غیررسمی ادامه دارد.

در نبود شغل رسمی، کولبری یکی از راه‌های امرارمعاش برای هزاران نفر در نوار مرزی شده است. کولبران از هیچ‌گونه بیمه یا حمایت قانونی برخوردار نیستند و در معرض خطراتی چون سقوط، سرما، بهمن، مین و

تیراندازی نیروهای مرزی قرار دارند. کولبران در برابر ساعت‌ها پیاده‌روی در مسیرهای صعب‌العبور کوهستانی و حمل بار سنگین، تنها دستمزدی ناچیز دریافت می‌کنند؛ معمولاً بسیار کمتر از آنچه برای یک زندگی حداقلی کافی باشد. بسیاری از آن‌ها حتی با این شرایط نیز چاره‌ای جز ادامه‌دادن ندارند. واقعیت اسفناک دیگر سن کولبری است که در برخی مناطق به ۱۳ سال رسیده است. کودکانی که باید در کلاس درس باشند، بار پوشاک، سیگار یا لوازم‌خانگی را در مسیرهای خطرناک مرزی به دوش می‌کشند تا سهمی در تأمین نان خانواده داشته باشند. کولبری "حرفه‌ای" است که هر لحظه آن بوی مرگ می‌دهد. این شغل پرخطر، سالانه جان ده‌ها کولبر را می‌گیرد. مسیرهای پرخطر، سرما و سقوط تنها بخشی از تهدیدات‌اند. شلیک مستقیم مرزبانان نیز یکی از عوامل اصلی مرگ کولبران است. آمارهای هولناکی از این فاجعه در دست است. تنها در سال ۱۴۰۲، دست کم ۴۴ کولبر جان باختند و بیش از ۴۰۰ نفر زخمی شدند. تنها بر اثر شلیک مستقیم، بیش از ۳۳۷ نفر مجروح شدند. این آمار نسبت به سال پیش حدود ۹۰ درصد افزایش یافته است. ۵۹٪ از حوادث مرگبار کولبری در کردستان، ۳۸٪ در کرمانشاه و تنها ۳٪ در آذربایجان غربی رخ داده است. حوادث اغلب در ماه‌های اسفند، آبان و آذر اتفاق افتاده‌اند که همزمان با سرمای شدید و فشار اقتصادی پایان سال بوده است.

دست کم ۳۷ نفر از کولبران کشته‌شده یا زخمی‌شده در سال گذشته، زیر ۱۸ سال داشته‌اند. این عدد نمادی از بحران اجتماعی و بی‌افقی نسل جوان است.

در مناطق مرزی، ۱۰ درصد از کولبران زن هستند؛ زنانی که اغلب سرپرست خانوارند و ناچارند برای بقای خود و فرزندانشان، به سخت‌ترین شکل ممکن کار کنند. کولبری برای زنان، باری دوچندان دارد.

سیاست سکوت و گلوله دولت، تناقض دائمی در قبال کولبران است. دولت این شغل را غیرقانونی می‌داند و با گلوله جواب "متخلفان" را می‌دهد، اما جایگزینی برای آن ارائه نمی‌دهد. در نبود حمایت جدی، کولبران همچنان بی‌پناه‌اند.

در استان‌های کردنشین، زنان سرپرست خانوار یکی از فقیرترین و آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه‌اند. آن‌ها که بار زندگی را به تنهایی به دوش می‌کشند، نه تنها از حمایتی برخوردار نیستند، بلکه در اغلب موارد در معرض انواع تبعیض، ناامنی اقتصادی و نادیده گرفتن حقوق قانونی و تعرض قرار دارند. در استان کرمانشاه، تا پایان سال ۱۴۰۲، بیش از ۷۶ هزار زن سرپرست خانوار شناسایی شده‌اند. روند افزایش این زنان در استان‌های دیگر همچون کردستان و آذربایجان غربی نیز قابل مشاهده است. در کنار تعداد، عمق مشکلات آن‌ها نیز افزایش یافته است.

بیشتر این زنان یا شغل رسمی ندارند، یا در مشاغل غیررسمی و بی‌ثبات مشغول‌اند: خیاطی در خانه، قالیبافی، کارگری موقت یا حتی دست‌فروشی. درآمد پایین، عدم بیمه و نبود امنیت شغلی از ویژگی‌های غالب وضعیت کاری آنان است. زنان سرپرست خانوار در بسیاری موارد از حقوق قانونی‌شان (مانند مهریه یا ارث) به دلیل فشارهای خانوادگی یا ناآگاهی محروم‌اند. آن‌ها همزمان باید بار اقتصادی و عاطفی خانواده را به دوش بکشند و با انواع آسیب‌های اجتماعی

وضعیت کار و کارگری در استان‌های کردنشین ایران

از صفحه ۷

نیز دست‌وپنجه نرم کنند. حقوق‌هایی مانند مرخصی زایمان، ساعات کاری کمتر برای مادران، و ممنوعیت کارهای سخت، در عمل رعایت نمی‌شوند. زنان در کارگاه‌های خیاطی یا کولبری، تحت فشار و بدون حمایت حقوقی فعالیت دارند.

سیاست‌های ضدزن حکومت در کنار عوامل اقتصادی مانند همیشه ستمی مضاعف بر زنان در این مناطق اعمال می‌کند.

به دلیل شرایط سخت معیشتی و اجتماعی در سال‌های اخیر، هزاران کارگر کرد، عمدتاً از شهرستان‌هایی مانند مریوان، پاوه و ایلام، به اقلیم کردستان عراق مهاجرت کرده‌اند. دلیل اصلی این مهاجرت، نبود شغل در داخل و دستمزد نسبتاً بهتر در آن‌سوی مرز است. بیشتر مهاجران کاری با ویزای توریستی وارد عراق می‌شوند و بدون قرارداد رسمی، بیمه یا حمایت قانونی، در پروژه‌های عمرانی و خدماتی مشغول‌اند. کارفرمایان محلی از این وضعیت سوءاستفاده کرده و دستمزد ناچیزی می‌پردازند. مهاجرت گسترده به اقلیم، نیروی کار روستاها را کاهش داده، تولید کشاورزی را مختل کرده و فاصله خانواده‌ها را افزایش داده است. در کنار فقر، حالا تنهایی و اضطراب نیز به واقعیت زندگی خانواده‌های مرزنشین افزوده شده است.

حداقل دستمزد مصوب سال ۱۴۰۲ با مزایا حدود ۶ میلیون تومان بود، درحالی‌که همان ابتدای سال نیز کفاف یک‌سوم هزینه‌های زندگی را نمی‌داد. کارگران مناطق کردنشین بیش از سایر نقاط، از این شکاف رنج بردند؛ زیرا نرخ تورم در این مناطق بالاتر و فرصت شغلی کمتر بود. در بسیاری از پروژه‌های عمرانی و نهادهای خدماتی مانند

شهرداری‌ها، کارگران برای ماه‌ها حقوق نگرفته‌اند. موارد متعددی از اعتصاب پاکبانان و فضای سبز در کرمانشاه و سنندج گزارش شده که مهم‌ترین مطالبه‌شان، دریافت حقوق معوقه بود.

دهه‌ها هزار کارگر، از جمله کارگران ساختمانی، کولبران، دست‌فروشان، قالیبافان و فصلی‌ها، بدون بیمه فعالیت می‌کنند. صف‌های طولانی برای ثبت‌نام بیمه، ضعف بودجه و بی‌عدالتی در تخصیص سهمیه، موجب شده بسیاری تا پیری بدون هیچ پوشش اجتماعی کار کنند.

در استان‌هایی چون کردستان و کرمانشاه، بارها حوادث مرگبار ناشی از سقوط، انفجار یا نبود تجهیزات ایمنی گزارش شده، اما بسیاری از این موارد اصلاً ثبت نمی‌شوند و کارفرمایان هم پاسخگو نیست.

سندیکای خبازان سنندج و مریوان، به‌عنوان یکی از باسابقه‌ترین تشکلهای مستقل کارگری، با وجود فشار امنیتی، همچنان فعال است. این تشکل، نماد استمرار مطالبه‌گری کارگران در برابر سرکوب است.

در این دو سال، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و کارگران پروژه‌ای در شهرهای کردنشین به طور پراکنده تجمع کردند. اگرچه اعتصابات سراسری شکل نگرفت، اما مطالبات همچنان زنده بود.

فرهنگیان در استان‌های کردنشین، هم‌صدا با همکارانشان در سراسر کشور، بارها دست به اعتصاب و تحصن زدند. اجرای ناقص طرح رتبه‌بندی، حقوق پایین و بازداشت فعالان صنفی از جمله دلایل اصلی این

اعتراض‌ها بود. در شهرهایی مانند سنندج، مریوان و ایلام، مشارکت معلمان چشمگیر بود.

در بیمارستان‌های کرمانشاه و سنندج، پرستاران نسبت به حقوق معوق، شرایط شغلی و فوق‌العاده ویژه تجمع کردند. این اعتراض‌ها نشان از نارضایتی گسترده در کادر درمان داشتند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی در این استان‌ها، همچنان روزهای سه‌شنبه در برابر استانداری یا اداره کل تأمین اجتماعی تجمع کردند. مطالبه‌شان اجرای کامل همسان‌سازی و افزایش مستمری متناسب با تورم بود. در بیشتر موارد، این تجمع‌ها مسالمت‌آمیز اما بی‌پاسخ ماندند.

کارگران قرارداد موقت، از پالایشگاه گاز ایلام تا شرکت‌های عمرانی در کرمانشاه و مریوان، چندین بار اعتراض کردند. اما نبود تشکل صنفی و ترس از اخراج، مانع استمرار این اعتراض‌ها شد.

در روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳) و روز جهانی زن (۸ مارس)، کارگران و فعالان زن در کردستان مراسم‌های غیررسمی و بعضاً در طبیعت یا فضاهای بسته برگزار کردند. نمادی از پیوند تاریخی کردستان با مطالبه‌گری اجتماعی.

هرگونه تجمع، بیانیه یا جلسه تشکلهای مستقل با فشار، احضار و بازداشت مواجه شد. اعضای سندیکای خبازان، فعالان معلمان و حتی بازنشستگان، بارها به نهادهای امنیتی احضار شدند. اتهام‌های رایج، تبلیغ علیه نظام یا اخلال در امنیت ملی بود؛ حتی وقتی تنها جرم، درخواست اجرای قانون کار یا افزایش حقوق بود. احکام سنگین زندان، تعلیق یا محرومیت از اشتغال، همچنان در سایه تهدید بر سر فعالان کارگری باقی‌مانده است. با تماس‌های تلفنی یا کتبی، بسیاری از فعالان به نهادهای امنیتی فراخوانده می‌شوند تا مورد بازجویی قرار گیرند. هدف، ایجاد ترس، خستگی روانی و جلوگیری از تشکلیابی است.

درحالی‌که شوراهای اسلامی کار تنها تشکل رسمی مجاز هستند، در استان‌هایی مانند کردستان، تعدادشان بسیار پایین است و اعضای آن نیز زیر فشار فعالیت می‌کنند. تشکلهای تشکلهای مستقل تقریباً غیرممکن شده است.

شرایط معیشتی وحشتناک اکثریت مردم و به‌خصوص کارگران در سراسر ایران در مناطق مورد اشاره در ستم ملی ضرب شده است و وضعیت بسیار اسفناکی را موجب شده است. بااین‌همه اما همچنان که در آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی این مردم در کردستان هستند که راه را نشان می‌دهند و در صف اول مبارزه با حکومت برای پایان‌دادن به وضعیت موجود قرار دارند.

با وجود فشار امنیتی، فقر اقتصادی، سرکوب تشکلهای و بی‌پناهی، کارگران کردستان و کرمانشاه هنوز به صدای حق‌طلبی خود وفادار مانده‌اند. این مقاومت، گاهی در بیانیهای ساده، گاهی در اعتصاب، و گاهی حتی در یک مراسم کوه‌نوردی نمادین، خود را نشان می‌دهد. جنبش کارگری در استان‌های کردنشین ایران، گرچه در بند فشار و فقر گرفتار است، اما همچنان زنده است. تا زمانی که تبعیض، فقر مزدی و بی‌عدالتی در کار ادامه دارد، این شعله خاموش نخواهد شد و همچنان مشعلی است که شعله‌ور است.*



خطوط قرمز جمهوری اسلامی، در حال محدودتر شدن

مهران محبی

اوضاع شکننده و فوق‌بحرانی جمهوری اسلامی باعث شده تا برای حفظ موقتی خود، حلقه ممنوعیت‌هایش در برابر غرب را محدودتر کند. رژیم ۴۶ سال است که با قرارگرفتن پشت هویت ضدیت با آمریکا و کفرستیزی و داشتن مأموریت برای نابودی اسرائیل، جامعه را در داخل سرکوب می‌کند و جهنمی از تباهی و سیاهی بر زندگی مردم حاکم کرده است و حالا که در بحران‌های لاینحل اقتصادی، اجتماعی، منطقه‌ای و بین‌المللی و به‌طور کلی در بحران ناتوانی در ادامه حاکمیت خود گرفتار است، در حال تعدیل هویت ایدئولوژیکی خود و عقب‌نشینی از مواضع تاکتونی‌اش در برابر غرب و به‌ویژه آمریکای تحت رهبری ترامپ است.

خامنه‌ای حالا پذیرفته است که حکومتش از هر جنبه‌ای عمیقاً در بحران فرورفته و موضوع سرنگونی‌اش توسط مردم بسیار جدی است، از این‌رو به این نتیجه رسیده که باید دست به یک عقب‌نشینی محسوس بزند تا شاید هم فشارهای داخلی و هم فشارهای غرب را کاهش دهد. او که تا قبل از جدی شدن خطر حمله آمریکا به مراکز هسته‌ای‌اش رجزخوانی می‌کرد و می‌گفت: "آمریکا خبیث‌ترین دشمن ماست"، "آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند" و "با ترامپ قاتل سلیمانی اصلاً مذاکره نمی‌کنیم" و "مذاکره شرافتمندانه نیست" و غیره، حالا نه‌تنها وزیر خارجه‌اش را برای نشستن بر سر میز مذاکره به‌سوی تسلیم‌شدن در برابر نماینده ترامپ می‌فرستد و هم‌زمان خودش راهی چاه جمرکان و بارگاه معصومه در قم برای نمایش ریاکارانه و خدعه‌گرانه آخوندی می‌شود تا به قول آخوندها با گریه و ناله در بارگاه‌های مقدس از خدایش تقاضای تکلیف کند و به این ترتیب بر رسوایی‌اش پوشش و حجابی ملوکوتی ببوشاند، بلکه به ترامپ پیشنهاد سرمایه‌گذاری تریلیون دلاری در ایران می‌دهد و در عین حال عراقچی وزیر امور خارجه‌اش را مأمور ابلاغ دعوت رسمی از "استیو ویتکاف" می‌کند تا به ایران سفر کند! او همچنین در صحبت‌هایش هم دست به تغییر لحن و تغییر مواضع در برابر آمریکا زده و دستور پاک کردن و برچیدن دیوارنگاره‌ها و نمادهای ضدآمریکایی از سطح شهرها و مراکز سیاسی، نظامی و اداری حکومتی را صادر کرده است که با سرعت در حال اجرایی شدن است.

تا اینجا، آمریکای تا دیروز "شیطان و خبیث و دشمن جهان اسلام" در ایدئولوژی و مکتب سیاسی و اعتقادی جمهوری اسلامی، امروز مطابق عقب‌نشینی ناگزیر خامنه‌ای به حکومت قابل مراد در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی تجدید تعریف گردیده است و دیگر خط دشمنی و خط قرمزی میانشان نیست. از طرف دیگر ضمن تلاش برای جلب رضایت باندهای اصلاح‌طلب و دیگر حامیان ایجاد رابطه با آمریکا، تا آنجا که به مردم در داخل نیز مربوط می‌شود، باز هم یک عقب‌نشینی و ابراز حسن‌نیتی دروغین و از روی اجبار کرده است. مردمی که ۴۶ سال است بهای تقابل‌های ایدئولوژیکی و هویت‌تراشی‌های کاذب ضدیت با آمریکا توسط جمهوری اسلامی را با تحمل فقر و بیکاری پرداخته‌اند، تا وانمود کند که برای جبران گذشته و به نفع مردم گام بر می‌دارد و از این طریق مردم را به صبر و تحمل بیشتر دعوت کند.

از سوی دیگر خامنه‌ای ظاهراً گوشه‌ای دیگر از "نبوغش" در زمینه بازی‌های دوگانه و معلق‌زدن در میانه گرفتاری‌های سیاسی و ایدئولوژیکی را آشکار کرده تا تندروهای نزدیک به خود را همچنان ضمن کنارگذاشتن دشمنی با آمریکا، با تأکید بر دشمنی با اسرائیل به دنبال خود بکشد و به آنها اطمینان دهد که چیزی از هویت جمهوری اسلامی کم نشده و تسلیم آمریکا شدن هم یک تاکتیک واجب و "تکلیف" است.

در کنار معلق‌زدن‌های خامنه‌ای در برابر آمریکا که از سوی اصلاح‌طلبان و اکثریت اصول‌گرایان تصمیم‌مدبرانه و متهورانه رهبری تلقی می‌شود، بازی دوگانه‌اش از این‌قرار بود که در میانه هیاهوی عقب‌نشینی در برابر آمریکا، پوستری از نابودی اسرائیل در سایت خامنه‌ای منتشر شد. معلوم است که این اقدام برای آرام کردن تندروها بوده و به دنبال آن از کسانی مانند حسین شریعت‌مداری اصول‌گرا تا کسانی مانند ماشاءالله شمس‌الواعظین از باند اصلاح‌طلب، مجال یافتند تا با تعبیر عقب‌نشینی خامنه‌ای به تاکتیک هوشمندانه رهبر فرزانه، به تندروترها اطمینان دهند که هیچ چیزی در استراتژی و اعتقاد جمهوری اسلامی تغییر نکرده است.

اما واضح است که خامنه‌ای که از نظر مکتبی و اصول دینی و اسلامی ۴۶ سال است با تفاسیر خود از آن‌ها دشمنی با آمریکا و اسرائیل را به حد یک اصل غیر قابل عدول در شریعت اسلام رسانده و پیروی و عمل به آن‌ها را برای هر مسلمان دوازده تکلیف تعریف کرده در توجیه و آرام نگه‌داشتن این بخش از تندروها، توانایی ندارد و همین او را با یک گرفتاری ایدئولوژیکی جدید مواجه می‌کند. او چندی پیش هم با چنین معضلی با طرف‌داران تندرو خودش بر سر حجاب روبرو شده بود که ناچار به برخورد امنیتی و سرکوبشان شد. حالا نیز بر سر یک دوراهی قرار گرفته است که هر دو به ضررش تمام خواهد شد. یا باید برای راضی نگه‌داشتنشان به موضع ضدآمریکایی و ضداسرائیلی گذشته برگردد و فشارهای سنگین‌تر اقتصادی و حمله نظامی آمریکا و اسرائیل را بپذیرد که برایش غیرممکن است و یا باید در صورت بالاگرفتن مخالفت‌های تندروها که ممکن است کار به تحصن و تجمع مقابل مجلس و غیره بکشد، اقدام به سرکوب و جمع‌آوری‌شان کند و این هم باز باعث تشدد و پشت کردن لایه‌های بیشتری از درون به خود و حکومتش خواهد شد.

در نتیجه، رهبر حکومت باید منتظر بالاگرفتن دعوای درون‌حکومتی در شرایطی باشد که از هر زاویه‌ای زیر فشارهای غیرقابل تعدیل قرار دارد. در داخل با بن‌بست‌های اقتصادی و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دست‌به‌یقه است و جامعه‌ای آماده ناکارکردن و نهایتاً سرنگون کردن حکومتش او را در محاصره گرفته که هر درجه از به‌هم‌ریختگی درونی و به جان هم افتادن باندهای حکومتی را فرصتی برای واردآوردن ضربه نهایی می‌داند و در عرصه بین‌المللی نیز راهی جز تسلیم و زانوزدن در برابر دشمنانی که تا دیروز وعده نابودی‌شان از طرف خدا را می‌داد، ندارد.

بنابراین، جمهوری اسلامی چه با مذاکره و چه بی‌مذاکره به دست مردم سرنگون خواهد شد. با گذشت هر روز، این اوضاع پر تنش و پر التهاب مدام رژیم را به عقب‌نشینی و زانوزدن در برابر آمریکا و منطقه قرار می‌دهد و برای جامعه امکان گام‌ها جلوتر رفتن را فراهم می‌کند.*



نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با امیر توکلی

مقدمه: در این صفحه، انترناسیونال سراغ

فعالین حزب کمونیست کارگری می‌رود و ضمن

آشنایی مختصر با این رفقا با مروری بر زندگی سیاسی آنها به جایگاه و اهمیت مبارزه متشکل و حزبی می‌پردازد. هدف به دست دادن تجربه حداکثری این فعالین در عرصه مبارزه سیاسی و انتقال تجربه سیاسی و مبارزاتی است.

انترناسیونال: نام شما با سایت سیاسی - خبری روزنه عجین است. اما می‌دانیم کارهای سیاسی و تشکیلاتی به مراتب بیشتری انجام می‌دهید. خوانندگان ما حتماً دوست دارند از گذشته شما بدانند. اهل کجا هستید، چه وقت سیاسی شدید و چرا اصلاً فعال سیاسی و حزبی شدید و اکنون چه موقعیت تشکیلاتی در حزب دارید؟

امیر توکلی: من در تهران به دنیا آمدم و تا ۲۳ سالگی آنجا زندگی کردم؛ یعنی تا اوایل سال ۱۳۶۱. بعد از گرفتن دیپلم در بیمارستان سینای تهران در بخش اداری شروع بکار کردم، پدرم یکی از سرآشپزهای بیمارستان بود و من تا سی خرداد سال ۱۳۶۰ آنجا شاغل بودم.

پدر و مادر من مذهبی بودند، خیلی ساده و مهربان. ما زندگی کمی بالای خط فقر داشتیم، با اینکه پدرم از صبح زود تا آخر شب سر کار بود؛ اما همیشه بین مادر و پدرم بر سر مخارج خانه جروبحث بود. چندین بار در کودکی و نوجوانی شاهد دعوا و کتک خوردن مادرم از دست پدرم بودم و من با جثه کوچکم بینشان فاصله می‌انداختم. خانواده ما هفت نفر بود و من تنها پسر. و اولین فرزند خانواده بودم. ما همگی در دو اتاق ۱۲ متری زندگی می‌کردیم. من عاشق موزیک غربی، فوتبال و دروازه‌بان ثابت محله‌مان بودم. بچه درس خوانی نبودم؛ اما کتاب را دوست داشتم، آن زمان در منطقه ما کتابخانه‌ای نبود، من کتاب داستان از مغازه‌ای کرایه می‌کردم و دور از چشم مادرم کتاب می‌خواندم، مادرم می‌گفت باید همه حواست به درست باشد و مخالف فوتبال، موزیک، کتاب خوانی و دوستانم بود. ما خانواده سیاسی نبودیم، یادم می‌آید در خانه ما نمی‌توانستیم بگوییم شاه، باید می‌گفتم شاهنشاه چون مادرم به شدت می‌ترسید و عصبانی می‌شد. می‌گفت شما آن سال‌های بگروبیند را ندیدید منظورش کودتای ۲۸ مرداد بود که شاهد دستگیری‌های گسترده مخالفین شاه بود. می‌گفت دیوار موش داره و موش هم گوش داره و خیلی می‌ترسید.

من مخالف فقر و تنگدستی و دیکتاتوری شاه بودم و همیشه سعی می‌کردم تا جایی که می‌توانم به دیگران کمک کنم. یادم می‌آید سال ۵۹ وقتی از بیمارستان پنج هزار تومان عیدی گرفتم همه آن را به دوستم که اصلاً نمی‌دانستم خانه‌اش کجا است و اسم واقعی‌اش چیست دادم تا خانه‌شان را تعمیر کنند و دیگر هم او را ندیدم.

با شروع اعتراضات زحمت‌کشان و پی‌خانه‌مان‌ها در خاک سفید و حلبی‌آبادهای تهران پارس که در خارج محدوده قرار داشت جرقه‌های اعتراضی در من هم زده شد. سال ۱۳۵۶ سال سیاسی شدن من بود و به دنبال کتاب و نوشته‌های رادیکال و ضد رژیم می‌گشتم و در کتاب‌خانه‌هایی که کتاب‌های اعتراضی‌تری داشتند اسم نویسی می‌کردم. مثلاً کتاب‌خانه‌ای در شمال تهران اگر درست یادم باشد در یوسف‌آباد بود که کتاب‌های صمد بهرنگی را داشت و فیلم‌هایی از کتاب‌هایش را با آپارات نشان می‌داد، همان جا بود که با کتاب برتراند راسل با عنوان آگزیستانسیالیسم آشنا شدم و مدت کوتاهی مدافع نظرات او شدم.

اوضاع در تهران به شدت ملتهب و متحول می‌شد، اعتراضات در گوشه و کنار بیشتر و بیشتر بگوش می‌رسید، به‌ویژه جوانان جسورتر و صحبت‌ها بی‌پروا تر می‌شد و شعاردهی علیه شاه دیگر به‌وضوح شنیده

می‌شد. مساجد به محل تجمع مردم معترض تبدیل شده بود و من با تعدادی از دوستانم به دنبال مسجدی بودیم که امام‌جمعه‌اش علیه شاه حرف بزند. این تنها جایی بود که مردم عادی می‌توانستند جمع شوند و اعتراض‌شان را بیان کنند. در واقع مساجد و آخوندها اجازه و محلی برای ابراز نظر علیه سیستم داشتند و گرنه مساجد برای ما جوانان آن دوره محل استفاده از توالتش بعد از مسابقه فوتبال‌مان بود و آخوند، روضه‌خوانی بود که مادرم ماهانه بهش یک تومان می‌داد که هر چه زودتر از در خانه‌مان دور شود.

سال ۱۳۵۷ سال مهمی در زندگی من بود، در اعتراضات شبانه خیابانی شرکت می‌کردم به‌ویژه مدتی که حکومت نظامی بود، وقتی می‌شنیدم اعتراضات در دانشگاه تهران در جریان است از سرکارم به آنجا می‌رفتم و در اعتراضات خیابانی هم فعال بودم و با دوربینی که داشتم عکس‌های زیادی از اعتراضات در ماه‌های دی و بهمن ۵۷ گرفتم.

اطلاعیه‌های سازمان‌های مجاهدین و فدائیان را اولین بار روی دیوارهای دانشگاه تهران دیدم و چند هفته‌ای هم طرفدار مجاهدین شدم؛ اما با اوج‌گیری اعتراضات در جامعه در من هم تحولی ایجاد شد و کلاً با اسلام و مذهب وداع کردم و طرفدار سازمان چریک‌های فدایی خلق شدم. روزی که شاه، ایران را ترک کرد جلوی دانشگاه تهران بودم و شادی مردم را دیدم، همین‌طور روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن در حوالی میدان انقلاب و شرق تهران بودم و شاهد انقلاب، سنگریندی و مردم اسلحه به دست که از پادگان‌ها برمی‌گشتند، بودم. در آن روزها ماشینی که آخوندی سوار بر آن بود و نیم‌تنه‌اش از پنجره ماشین بیرون بود (هادی غفاری) و کلت به دست داشت فریاد می‌زد امام حکم جهاد نداده، برگردید! به طرف پادگان‌ها نروید، برگردید! آن زمان برای من قابل‌درک نبود چرا این را می‌گوید. اما بعد از مدت کوتاهی زدوبند بین آخوندها و آمریکا و غرب روشن شد. مشخص شد طرف‌داران خمینی از حضور مردمی که مسلح شده‌اند بسیار وحشت‌زده هستند.

طی سال‌های ۵۸ و ۵۹ تقریباً هر روز جلوی دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف در کشاکش، بحث و درگیری با حزب‌اللهی‌ها بودیم و زورگویی آنها را نمی‌پذیرفتیم. چندین بار کوتاه‌مدت دستگیر شدم، در خیابان کتک خوردم و با تعهد با اسم مستعار آزاد می‌شدم. بیشتر اوقات بساط کتاب و اطلاعیه داشتم، من حتی یک لحظه توهمی به حکومت اسلامی نداشتم و هیچگاه در هیچ مناسبتی همسوا با اسلاميون نشدم.

بعد از انشعاب در سازمان چریک‌ها از نظرات اقلیت سازمان دفاع کردم و بعد از چند ماه با ادبیات "سازمان اتحاد مبارزان کمونیست" و نوشته‌های منصور حکمت و حمید تقوایی آشنا شدم و بی‌درنگ آن نظرات را راه‌گشا دیدم و به آنها نزدیک شدم.

انترناسیونال: ۳۰ خرداد ۶۰ پایان حضور علنی مخالفین حکومت اسلامی و شروع کشتارهای گسترده مخالفین بود. شما در آن مقطع چه کردید؟

امیر توکلی: بعد از سی خرداد سال ۶۰ بدون محل زندگی در خانه فامیل، آشنا، دوست و حتی در پارک روز و شب می‌گذراندم. زیر شدیدترین فضای وحشت خبر اعدام دوستانم را می‌شنیدم و یا در روزنامه‌ها عکس‌شان را می‌دیدم. خواهرم که تنها ۱۶ سال داشت دستگیر شد و سال‌ها در اوین زندانی بود. اوباشان و جنایت‌کاران اسلامی در خیابان‌ها به شکار جوانان مشغول بودند و حکومت نظامی غیررسمی برقرار بود. چندین بار با فاصله بسیار نزدیک به دستگیری، با هوشیاری از دست جنایت‌کاران فرار کردم. من یکی از آن خوش‌شانس‌ترین انسان‌ها هستم که امروز زنده مانده‌ام.

حالوداً ۸ ماه در یک کارخانه صابون‌سازی در

جاده کرج کارگری کردم، کاری سخت و



نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کار گری از صفحه ۱۰

غیراستاندارد. بیشکهای ۲۲۰ لیتری ماده مایع صابون را ذوب می کردیم و حقوق ناچیزی می گرفتیم. آنجا بود که اولین صندوق کمک مالی کارگری را درست کردیم و هر ماه به یک نفر پول جمع آوری شده را می دادیم و خیلی خوشحال و راضی از این اتحاد بودیم. در خط تولید این کارخانه من جزوات "اتحاد مبارزان کمونیست" و یا نوشته های خود را داخل صابون می گذاشتم و صابون را به زیر پرس می بردم. هیچ کس شک نمی کرد که داخل این صابون ها جزوات یک سازمان کمونیستی باشد. صابون ها را در نایلون می گذاشتم و به اندک ارتباطاتی که مانده بود، می رساندم.

انترناسیونال: کردستان نقطه امید بسیاری از فعالین سیاسی بود که از دست رژیم پنهان شده بودند. اگر وجود کردستان انقلابی نبود طبعاً تعداد دستگیری ها و اعدام ها بسیار وسیع تر می شد. تا جایی که اطلاع داریم شما سال ها در کردستان بودید و علیه جمهوری اسلامی مبارزه کردید. چگونه موفق شدید از تهران به مناطق آزاد در کردستان برسید؟

امیر توکلی: دوست بسیار عزیزم که در حال حاضر در پاریس زندگی می کند امکانی ایجاد کرد که من از طریق کانال اتحاد مبارزان کمونیست به مناطق آزاد در کردستان بروم که خودش داستان مفصلی است. همین جا صمیمانه از او تشکر می کنم و زندگی امروز را مدیون او هستم که با اینکه عضو آنها نبودم، توانست ارتباطات لازم را برای رفتن به مناطق آزاد کردستان را فراهم کند.

آذر سال ۱۳۶۱ با کمک یکی از بستگانم که در میاندوآب زندگی می کرد به عنوان شاگردراننده یک ماشین سنگین آجری با لباس های محلی به مهاباد رسیدم و به محلی که قرار بود آنجا رابط من باشد رفتم، رمز بینمان را بهش گفتم و او هم با اینکه ترسیده بود؛ اما به من کمک کرد تا بالاخره خیلی شانس توانستم وارد منطقه ای که در کنترل پیش مرگان کومله بود، بشوم.

اولین روز شیرینی که بعد از مدت ها زندگی مخفی، بدون ترس و اضطراب بودم و هنوز آن حس آرامش را به خاطر می آورم که با اسلحه ژ ۳ زیر سرم به عنوان بالش خوابیدم. احساس قدرت و آرامش می کردم. در کردستان بود که ترس و نگرانی از دستگیری به پایان رسید.

من نامه نامرئی در یک مجله ورزشی همراه داشتم که از رابطم در اتحاد مبارزان کمونیست گرفته بودم و قرار شده بود به دست فردی به اسم امیر در کردستان برسانم. بعداً فهمیدم که اسم تشکیلاتی حمید تقوایی، امیر است که چند روز بعد این نامه تحویل رفقای اتحاد مبارزان کمونیست داده شد.

انترناسیونال: آیا با رسیدن به مناطق آزاد فعالیت خودتان را فوراً در کردستان شروع کردید؟

امیر توکلی: نخیر. من مجدداً به تهران برگشتم و شرح می دهم که چرا برگشتم. در آن دوره با ضرباتی که همه سازمان ها از رژیم خورده بودند تقریباً ارتباط با فعالین قطع بود و همین طور رابطه ضعیفی با طبقه کارگر داشتیم. یک بحث این بود که ایجاد این رابطه در آستانه تشکیل حزب مهم است؛ لذا کمیته ای برای سازماندهی این عرصه تشکیل شد که اگر اشتباه نکنم به اسم کمیته سازمانده شناخته شد. راه حل فوری این بود که کسانی را از کردستان به شهرهای مختلف اعزام کنند تا در حد امکان ارتباطاتی ایجاد شود. من هم انتخاب شدم که به تهران برگردم بعلاوه تعداد دیگری که نمی شناختم.

بعد از یک دوره آموزشی که فکر کنم یک ماه طول کشید، ما را جداگانه از مسیرهای مختلف راهی تهران کردند. من به همراه دو پیش مرگ با مقدار زیادی جزوات مربوط به پروسه تشکیل حزب که در خارج کشور چاپ ریز شده بود و در لباس زیرم جاسازی کرده بودم راهی تهران شدم.

ما از چندین پست بازرسی گذشتیم تا اینکه به شهر میاندوآب رسیدیم و به خانه فامیلی که به من کمک کرده بود، رفتم. آنجا با تعجب مادرم را دیدم که روز قبل از تهران به جستجوی من آمده بود. خیلی عجیب بود همه فکر

می کردند که ما با برنامه ریزی این کار را کردیم؛ ولی آن موقع ارتباطات به شکل امروز نبود و من هم به تلفن دسترسی نداشتم. خلاصه قرار شد به همراه مادرم با اتوبوس برگردیم، من کارت شناسایی بیمارستان را داشتم و به مادرم گفتم دلیل ما برای آمدن به میاندوآب خواستگاری است تا بهانه ای برای پاسداران داشته باشیم. به طرف تهران حرکت کردیم و در اولین پست بازرسی یک نفر سراغ من آمد و کارت شناسایی خواست و سؤال کرد اینجا چه کار می کنید که گفتم با مادرم برای خواستگاری آمدیم، او به کفش های من نگاه کرد و مکث طولانی کرد و به مادرم نگاه کرد و کارت را پس داد و ما نفس راحتی کشیدیم. خلاصه من با کلی اسناد سیاسی به تهران رسیدم؛ اما به خاطر شرایط پلیسی هیچ کس حاضر به همکاری نبود.

در یکی از شب ها در اخبار تلویزیون گزارشی از کردستان دیدم که تمامی آن روستاها و مفرهائی که من آنجا بودم و جز مناطق آزاد کردستان بود توسط پاسداران و ارتش اشغال شده بود و پیش مرگان و مرکزیت کومله و اتحاد مبارزان از آنجا عقب نشینی کرده بودند. رژیم در حال پیشروی در کردستان بود و هر روز بیشتر تسلط خودش را گسترش می داد.

من دوباره بدون جا و مکان و کار سرگردان شدم. اوضاع به شدت بدتر شده بود، دستگیری ها و اعدام ها بیداد می کرد و شرایط برای کار پیدا کردن و خانه گرفتن غیرممکن بود، به اصفهان رفتم، فامیلی های آنجا داشتیم. چندهفته ای آنجا بودم، وضعیت اصفهان بدتر از تهران بود و هیچ ارتباطی هم با کمیته سازمانده نداشتم.

انترناسیونال: بنابراین به راحتی دوباره به کردستان برگشتید؟

امیر توکلی: در واقع به سختی. تصمیم گرفتم که دوباره به کردستان برگردم؛ این بار اما بدون ارتباط با سازمان اتحاد مبارزان کمونیست باید این مسیر را طی می کردم. خلاصه به طرف میاندوآب حرکت کردم. پست های بازرسی متعددی را رد کردم تا نزدیکی میاندوآب که مرا از اتوبوس پیاده کردند و کارت شناسایی بیمارستان مرا گرفتند، مثل قبل بهانه خواستگاری و ازدواج را برای سفرم آوردم، چند ساعت در کنار جاده منتظر ماندم تا اینکه پاسدار و یا توایی کارت مرا پس داد و آزاد شدم. بدین گونه بود که به میاندوآب رسیدم و دوباره به سراغ فامیلی که کمک کرده بود، رفتم.

آنها به من کمک کردند تا مسیری بسیار خطرناک را طی کنم تا بلکه به پیش مرگان کومله ملحق شوم. در این مسیر انسانی های به من کمک کردند که آنها را نمی شناختم و آنها نیز مرا نمی شناختند. مثلاً کشاورزانی به من کمک کردند و شب در خانه یکی از آنها خوابیدم و صبح زود لباس کشاورزی آنها را پوشیدم و با یک بیل همراه با آنها از خانه خارج شدیم و کل روز را پیاده رفتیم، در یک محل از فاصله دهمتری پایگاه بسیجیان رد شدیم. این آدم های نازنین در یک روستا مرا به یک گروه از پیش مرگان حزب دمکرات سپردند و برگشتند، امیدوارم روزی آنها را ببینم. من همراه با این گروه چند روزی در حرکت بودیم تا اینکه تصادفاً به یک تیم از پیش مرگان کومله در روستایی در بوکان برخورد کردیم، آنها مرا به کومله سپردند و از هم جدا شدیم.

من داستانم را برای مسئولین کومله تعریف کردم و آنها با ناباوری گوش می کردند که چطور ممکن است به تهران رفته باشم و سالم هم برگشته باشم. در آن دوره رژیم اسلامی توانین را به صفوف نیروهای سیاسی می فرستاد تا

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری

از صفحه ۱۱

خبرچینی کنند و یا تروری انجام دهند، لذا همه به کسانی که از تشکیلات شهر می آمدند و یا از زندان آزاد می شدند با چشم شک نگاه می کردند. اما به هر حال با توضیحات قانع کننده ای که دادم آنها به من اطمینان کردند.

خلاصه بعد از مدت زمانی حرکت مداوم حدوداً به مرز عراق رسیده بودیم. در مسجلی بین راه استراحت کردیم. وقتی پیش مرگان آمده ادامه راه شدند، به من گفتند که تو آخر از همه بیرون بیا. من هم منتظر شدم که همه بروند. وقتی خواستم خارج شوم دیدم کیف یکی از مسئولین رده اول کومله به نام عمر ایلیخان زاده وسط مقر جامانده، آن را برداشتم و پیش مسئول پیش مرگان بردم، او هم تشکر کرد. بعداً فهمیدم که آنها می خواستند مرا سر مرز با آن کیف پول امتحان کنند.

بعد از روزها و شبها راهپیمایی از کوههای بلند مرزی که مین گذاری شده بود، رد شدیم و به مقر و اردوگاه تازه کومله رسیدیم. اگر اشتباه نکنم اردوگاه مالومه بود. به چادر کمپته سازماندهی راهنمایی شدم. آنجا ایرج آذرین، رضا مقدم و غلام کشاورز نشسته بودند. بعد از ورود من غلام کشاورز از چادر بیرون رفت و من کل ماجرا را برای ایرج آذرین و رضا مقدم تعریف کردم و نتیجه گرفتم که فرستادن ما به تهران اشتباه بود و من هم شانس می توانستم برگردم.

خلاصه کنم حدوداً ده سال در مناطق گوناگون کردستان وظایف مختلفی برعهده داشتم. از جمله مسئول تدارکات بعضی از اردوگاههای کومله بودم و بعد از بمباران شیمیایی که توسط دولت عراق علیه رفقای کومله که در رادیو حزب فعال بودند و جان باختن رفقای بسیار عزیزمان به واحد رادیو منتقل شدم. تا اینکه در آستانه تشکیل حزب کمونیست کارگری از کردستان عراق خارج شدم و به ترکیه رفتم، حدوداً یک سال در ترکیه بودم و از طریق سازمان ملل به عنوان پناهنده سیاسی در سال ۱۳۷۱ به فنلاند آمدم.

در فنلاند کامپیوتر خواندم و حدوداً بیست سالی است که در بیمارستانی مشغول کارم، مسئول سایت های روزنه و سایت حزب هستم و همین طور مسئول تشکیلات اسکاندیناوی حزب نیز هستم. هم اکنون نیز عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب هستم.

انترناسیونال: گفتید که مسئول کمیته اسکاندیناوی حزب کمونیست کارگری هستید. چه کار می کنید؟ می دانیم شاغل هم هستید. چطور ممکن است که هم برای امرامعاش کار کنید هم داوطلبانه تماموقت فعال سیاسی باشید؟

امیر توکلی: بله من در بخش اداری بیمارستانی کار می کنم و بعد از ساعت پنج بعدازظهر تقریباً تماموقت آزادم صرف فعالیت های حزبی می شود. مبارزه با جمهوری اسلامی یکی از اهداف اصلی در زندگی من است و به آن شکل داده است. ما در اسکاندیناوی فعالیت های متنوعی را به پیش می بریم بهویژه در سه شهر اصلی سوئد، استکهلم، گوتنبرگ و مالمو همیشه در خیابان هستیم، گاه هفته ای دو آکسیون اعتراضی برگزار می کنیم. در عرصه های دفاع از پناهجویان، علیه اعدام ها در ایران، ملاقات با مسئولین دولتی و ادارات مختلف، برگزاری مراسم ها و شرکت در تظاهرات های بزرگ و سراسری و آگاهی رسانی به جامعه سوئد در مورد مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی از فعالیت های روتین ما است. در مواردی توانسته ایم قوانین کشور سوئد را به نفع جامعه تغییر دادیم.

انترناسیونال: بسیار شنیده می شود که مبارزین باید بی ادعا فعالیت کنند و هدفشان به قدرت رسیدن نباشد. باید برای مردم جان فشانی کنند تا دیکتاتور از بین برود تا در آینده متخصصین امور و تحصیل کردگان و آشنایان به مسائل سیاست و اقتصاد حکومت را به دست بگیرند. شما در این رابطه چه نظری دارید؟ این کارها را می کنید تا در آینده به مقام و منصبی برسید؟

امیر توکلی: ما به دنبال مقام و منصب برای شخص خودمان نیستیم ما

علیه شرایط ضدانسانی زندگی هستیم که جمهوری اسلامی به مردم تحمیل کرده است. امروز ما خوشبختانه تنها نیستیم. جامعه ایران دوره های متفاوتی را از سر گذرانده است و امروز کاملاً همسو با اهداف حزب ما گام برمی دارد، جنبش زن، زندگی آزادی همان اهداف انسانی را دنبال می کند که حزب ما برنامه اش از روز اول بوده است؛ لذا اگر از مقام و منصبی صحبت می شود باید آن را به تکتک افراد جامعه تعمیم داد، همه مردم باید بدون استثنا برابر و آزاد باشند و دارای حرمت، منزلت و معیشت در بالاترین سطح. هدف نهایی ما به پیروزی رساندن جنبش زن، زندگی آزادی است که جامعه ایران در آستانه آن قرار دارد. در این میان حزب ما و همه اعضای این حزب با آن همه سابقه درخشان سیاسی و مبارزاتی، همه توان خود را بکار می گیرند تا با سرنگونی جمهوری اسلامی با کمک همه مردم جامعه ای آزاد و برابر و انسانی بنا کنند.

انترناسیونال: بگذارید به عقب برگردیم. چرا اصولاً کمونیست شدید. چرا برای اینکه تغییری در زندگی مردم به وجود بیاورید راه و رسم های دیگری را انتخاب نکردید. مثلاً جمهوری خواه یا دموکراسی خواه و... غیره نشدید؟

امیر توکلی: همانطور که در پاسخ به اولین سؤالتان گفتم من در یک خانواده کارگری به دنیا آمدم و معنی نابرابری، فقر، نداری و محدودیت ها را در زندگی تجربه کردم و نه اینکه فقط در کتاب ها خوانده باشم، لذا خودبه خودی علیه این تقسیم غیرمنصفانه امکانات اجتماعی بودم، امروز هم اکثریت مردم از وضعیتشان ناراضی اند، ۹۹ درصد حقوق بگیران در سطوح متفاوت معترض اند، معنی لغت کمونیسم یعنی برابری و مساوات. در واقع اکثریت مردم کمونیست هستند؛ یعنی برابری طلب اند اما اسم سیاسی آن را بکار نمی برند. برابری و عدالت خواهی ریشه در اعماق انسان ها دارد و با هیچ درجه از وحشیگری و تبلیغات نمی توان آن را از بین برد، کسی که می خواهد جامعه انسانی باشد باید به ریشه خودش بازگردد؛ یعنی به قدرت رساندن انسانیت در سیاست و این یعنی فعالیت متشکل برای این هدف، کاری که ما همه عمرمان را صرف آن کرده ایم.

امروزه نتیجه ده ها سال دموکراسی خواهی و جمهوری خواه بودن به ترامپ و ترامپیسم ختم شده است، ترامپ یک تصادف و یا یک استثنا نیست، نتیجه نهایی سیستم سرمایه داری همین می شود، میلیاردرها دنیا را به دست می گیرند، تعداد معدودی که در یک اتوبوس جا می شوند، سرنوشت هشت میلیارد انسان روی کره زمین را رقم می زنند. آیا کسی چنین نظامی را عقلانی می داند؟ به همین دلیل من برابری طلب و عدالت خواه یعنی کمونیست هستم.

انترناسیونال: ویژگی خاصی در حزب کمونیست کارگری می بینید که با این حزب فعالیت سیاسی متشکل می کنید؟

امیر توکلی: حزبی با برنامه ای انسانی و فعال برای پیاده کردن اهدافش، حزبی امروزی و دخیل در نبردهای جامعه، حزبی تیزبین و پیشرو و آینده نگر، حزبی باز، با روابطی شفاف که متکی بر فعالیت داوطلبانه است. حزبی که در اپوزیسیون منشأ اثر بوده است، حزبی که صدای بی صدایان و فرودستان جامعه است، حزب کمک به پناهجویان، انسان های زیر تیغ اعدام، حزب دفاع از زندانیان سیاسی، حزب ضد دخالت مذهب در جامعه و مدافع رنگین کمانی ها. حزبی که از روز اول اجازه نداده است جمهوری اسلامی در خارج کشور به راحتی مانور دهد و تبلیغ کند. در یک کلام حزبی برای همه انسان ها که به آن پیوندند. در تاریخ ایران هیچگاه حزب و سازمانی با چنین تاریخچه ای درخشان و با این شفافیت وجود نداشته است.

انترناسیونال: چه اتفاقی بیفتد شما به اهداف و آرزوهای سیاسی خود دست پیدا می کنید؟

امیر توکلی: سرنگونی جمهوری اسلامی، پیروزی جنبش زن، زندگی آزادی و به قدرت رسیدن مردم آگاه به منافع خود در شکل شوراها و تشکلهای توده ای. آزادی و برابری همگان و لغو بربریت سرمایه داری که مسبب همه فجایعی است که بشر با آنها دست و پنجه نرم می کند. من به امید آن روز و رسیدن به این شرایط اجتماعی مبارزه می کنم.*

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

اعتراضات کارگران ارکان ثالث در نفت ازسرگرفته می‌شود راهپیمایی آنها در شرکت پالایش گاز فجر

روز گذشته نوزدهم فروردین ماه کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر جم در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن خواست‌ها و معوقات مزدی خود دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران ارکان ثالث در اعتراضات روزهای پایانی سال ۱۴۰۳ اخطار داده بودند که اگر به مطالباتشان پاسخی داده نشود اعتراضات خود را گسترده‌تر و هر روزه‌تر خواهند کرد. بنا بر اخبار منتشر شده علاوه بر شرکت پالایش گاز فجر بسیاری از پالایشگاه نفت آبادان، شرکت ملی حفاری و مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز، نفت و گاز گچساران، سکوهای دریایی جنوب، منطقه عملیاتی لاوان و مجتمع گاز پارس جنوبی با ارسال پیام‌هایی برای ازسرگیری اعتراضات گسترده در نفت و تدارک و برنامه‌ریزی آن اعلام آمادگی کرده‌اند. بدین ترتیب در نفت اعتراضات وسیع‌تری در پیش است.

خواست‌های فوری اعلام شده کارگران ارکان ثالث عبارت‌اند از: حذف کامل پیمانکاران در نفت، افزایش دستمزد متناسب با تورم و گرانی افسارگسیخته در بازار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای فوری مفاد رأی ۳۱۸۸ دیوان در پرداخت‌های مزدی، تردد ۱۴-۱۴ برای همه کارگران پشتیبانی و...

روز هجدهم فروردین ماه نیز کارگران رسمی در منطقه عملیاتی لاوان برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. اهم مطالبات این کارگران عبارت است از:

- خواسته‌های فوری همکاران در تجمع اعتراضی امروز عبارت‌اند از:
- عدم تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی به‌عنوان عامل ایجاد تفرقه و تحقیر کارگران.
- حذف سقف ناعادلانه از حقوق و مزایا در مناطق عملیاتی.
- اصلاح کف حقوق برای کارگران جدیدالاستخدام.
- عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته بازنشستگی.
- حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل حق سنوات کارگران.
- مرجوع نمودن مالیات‌های کسر شده بر اساس قوانین رایج موجود.
- اجرای کامل ماده ۱۰.
- اعتراضات گسترده در نفت ازسرگرفته شده است. از این مبارزات حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ فروردین ۱۴۰۴، ۹ آپریل ۲۰۲۵

اعتراض مال‌باختگان ریحان تاک قزوین، سه‌شنبه‌های نه به اعدام، تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام

با پایان تعطیلات نوروزی اعتراضات بر سر معیشت و علیه فقر و گرانی ازسرگرفته شده است.

امروز بیستم فروردین ماه جمعیت قابل‌توجهی از مال‌باختگان شرکت

ریحان تاک با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان استانداری در قزوین، علیه دزدی و چپاول صورت‌گرفته در این شرکت و بالا کشیده‌شدن پول‌هایشان تجمع کردند.

روز گذشته نوزدهم فروردین ماه کارگران مخابرات در شیراز نیز برای چهارمین روز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و اخراج‌ها دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز گذشته نوزدهم فروردین ماه کارزار نه به اعدام شصت و سومین هفته خود را پشت سر گذاشت و سی و هشت زندان را در بر گرفت. بیانیه این کارزار به گسترش اعدام‌ها و در مقابل ادامه اعتراض علیه اعدام و واکنش‌های جهانی از جمله تصویب قطعنامه پنجاه و هشتمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو، در محکومیت نقض گسترده حقوق بشر در ایران و تمدید مأموریت «گزارشگر ویژه» و «هیئت حقیقت‌یاب مستقل» را برای یک سال دیگر و نیز قطعنامه مصوب پارلمان اروپا در همین هفته در اعتراض به موج گسترده اعدام‌ها در ایران و در محکومیت تأیید احکام اعدام مهدی حسنی و بهروز احسانی که در آن بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و تروریستی اعلام‌شدن سپاه پاسداران تأکید شده اشاره شده است. بیانیه کارزار نه به اعدام با توجه به رد اعاده دادرسی پخش‌شان عزیزی زندانی سیاسی برای دومین بار از سوی دیوان عالی کشور نسبت به خطر اعدام وی ابراز نگرانی کرده است. بیانیه این کارزار در پایان ضمن اعلام نگرانی عمیق از افزایش تهدید اجرای احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، این احکام را قاطعانه محکوم کرده و نسبت به گسترش اعدام زندانیان با جرایم غیرسیاسی محکوم به اعدام هشدار داده است.

هم‌زمان به سه‌شنبه‌های نه به اعدام در سی و هشت زندان خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام مقابل زندان اوین تجمع کردند. تجمع‌کنندگان با در دست گرفتن تصاویری از شاهرخ دانشورکار، وحید بنی‌عامریان، ابوالحسن منتظر، مهدی حسنی، محمد تقوی، بهروز احسانی، محمدجواد وفاپی ثانی و پویا قبادی و با فریاد «نه به اعدام» خواهان لغو فوری احکام اعدام عزیزانشان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ فروردین ۱۴۰۴، ۷ آپریل ۲۰۲۵

اولتیماتوم بازنشستگان نفت، اعتصاب کارگران کاغذسازی راشا کاسپین و کارگران ایران پولپن رشت، و اعتراضات علیه قطعی‌های مکرر آب و برق

بازنشستگان نفت در اعتراض به سطح نازل حقوقها و مشکلات معیشتی خود و عدم پاسخ‌گیری خواست‌هایشان برای روز ۲۷ فروردین به تجمع بزرگ مقابل وزارت نفت فراخوان داده‌اند. این فراخوان از سوی "کارگروه اتحاد سراسری بازنشستگان صنعت نفت" داده شده است. بنا بر گزارشات منتشر شده بازنشستگان نفت به عدم اجرای همسان‌سازی و تجدیدنظر مدیریت در پرداخت‌های مناسبی و دیون بن‌کارت مربوط به سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ در حقوق فروردین ۱۴۰۴ اعتراض دارند و از تمامی بازنشستگان در صنعت نفت خواستار شرکت وسیع در این تجمع شده‌اند. بازنشستگان در فراخوان خود اخطار می‌دهند که دیگر مماشاتی در کار نیست و حق خود را در کف خیابان با فریاد مطالباتشان پیگیر

می‌شوند.

در رابطه با این موضوعات بازنشستگان نفت قبلاً نیز تجمع داشته‌اند و از جمله روز ۱۹ فروردین جمعی از آنها در شهر اهواز در مقابل صندوق رفاه و امور بازنشستگی تجمع کردند و با فریاد شعارهای "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "کرامت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست" پیگیر مطالباتشان شدند.

امروز ۲۳ فروردین اعتصاب کارگران جوش کار پروژه‌ای کارخانه کاغذسازی راشا کاسپین واقع در شهرک صنعتی زنجان (شرکت پیمانکاری یسنا آرمان زندگی - مهیار) در اعتراض به عدم افزایش حقوقهایشان دست به اعتراض زدند.

کارگران شرکت ایران پولپین رشت در اعتراض به عدم دریافت حقوق اسفندماه خود در ۲۳ فروردین تجمع کرده و بر پرداخت منظم و به موقع مزد و مزایای شغلی خود پافشاری کردند. به گفته کارگران قراردادهای آنها سه ماه است و این وضعیت امنیت شغلی و معیشتی آنها را به خطر انداخته و همواره چماق بیکاری را بر روی سر خود دارند. علاوه اینکه تأخیر یک ماهه دستمزدها به یکرویه عادی در شرکت تبدیل شده است.

آخرین خبر در این روز مربوط به قطعی‌های آب و برق و مشکلات زیستی مردم است که جامعه را فلج کرده است. روز ۲۲ فروردین در سیستان مردم در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق دست به تجمع اعتراضی زدند. این اعتراضات در پی تداوم خاموشی‌هایی رخ داد که در برخی مناطق، به صورت روزانه دوبرگه، یکبار در صبح و یکبار در شب برق قطع می‌شود. این در حالی است که دمای هوا در سیستان در همین فصل بهار بیش از ۴۰ درجه است و مردم با حداقل امکانات، در گرمای سوزان و بی‌برقی، زندگی می‌کنند. دو ماه دیگر نیز گرما به بالای ۵۰ درجه خواهد رسید و فشار بیشتری به مردم وارد می‌شود و سلامت شهروندان به طور جدی به خطر می‌افتد.

روز ۲۱ فروردین نیز مردم در ده گلای فلارد چهارمحال و بختیاری در اعتراض به کمبود آب شرب و کشاورزی به خیابان آمدند و به نشانه اعتراض برای ساعاتی جاده اصلی منطقه را مسدود کردند.

در این حرکت اعتراضی مردم با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواهان رسیدگی فوری به وضعیت آب روستا شدند. جمعیت معترض می‌گویند که ماه‌هاست با بحران آب دست و پنجه نرم می‌کنند، اما هیچ کدام از وعده‌های داده شده عملی نشده است.

در حالی که حکومت از اداره جامعه ناتوان است و کمبود برق و آب و گاز به بحرانی در جامعه تبدیل شده است، وزارت نیرو اعلام کرد مشتریان پرمصرف برق تا ۴۰ برابر تعرفه پایه جریمه می‌شوند و قطع ۱۲ ساعته آب نیز برای ماه‌های آینده برنامه‌ریزی شده است و بازهم این مردم هستند که مقصر این بحران‌ها قلمداد می‌شوند! با بحران برق و آب و گاز باید با اعتراضات متحدانه و سراسری علیه حکومت مقابله کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ فروردین ۱۴۰۴، ۱۲ آپریل ۲۰۲۵

**جمهوری اسلامی
سرنگون باید گردد!**

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و معدن و اخباری دیگر

نه جنگ می‌خواهیم نه کشتار، رفاه می‌خواهیم مانند کار

امروز ۲۴ فروردین بازنشستگان تأمین اجتماعی و همچنین بازنشستگان فولاد برای پیگیری خواست‌هایشان در چندین شهر تجمع کردند. تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش، کرمانشاه، اهواز، تهران و رشت، و تجمعات بازنشستگان فولاد در اصفهان و تهران و قائم شهر برگزار شدند.

بخش‌های مختلف بازنشستگان مدام در اعتراض به فقر، گرانی، و چپاول حقوقها و ذخیره‌هایشان در صندوق تأمین اجتماعی و غیره به خیابان می‌آیند و اعتراض می‌کنند. آنها خواهان افزایش حقوقها بر اساس سبد معیشتی ۶۰ میلیونی، اجرای همسان‌سازی‌ها و درمان رایگان هستند که در شعارها و بیانیه‌هایشان بازتاب دارد.

بازنشستگان در کرمانشاه مقابل اداره کل تأمین اجتماعی تجمع داشتند. در این گردهمایی بازنشستگان طی سخنانی از مشکلات معیشتی و علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت صحبت کردند و یکی از بازنشستگان با خشم و اعتراض فریاد زد "۳۰ سال کار کردیم، حالا باید نان نسیه بگیریم؟ تا کی تحقیر؟ تا کی وعده؟". سخنران دیگری نیز در رابطه با قتل ۹ کارگر معدن در معادن دامغان و مه‌باد مراتب همدردی خود را با خانواده‌ها و همکاران آنها و همه کارگران اعلام کرد و بازنشستگان به این مناسبت شعارهایی را به نشانه همبستگی با کارگران معدن فریاد زدند. این شعارها عبارت بودند از "حق کارگر معدن ایمنی جان و تن"، "معدن سودآور، آوار مرگ کارگر"، "با این سفره بی‌نان معترضیم همچنان"، "فریاد فریاد از این همه بیداد".

دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این تجمعات از جمله عبارت بودند از: "نه جنگ می‌خواهیم، نه کشتار، رفاه می‌خواهیم ماندگار"، "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گفت آمریکا"، "بیت‌المال خزانه جولانگاه دزدانه"، "ما بازنشستگانیم بر حرف خود می‌مانیم"، "همبستگی، اتحاد، چاره ظلم و بیداد"، "خواسته ما هر زمان صلح رفاه آزادی"، "مالیات بی‌شمار امکانات اسف‌بار"، "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "بودجه‌بندی دولت برای جان ملت"، و "فریاد فریاد علیه فقر و فساد".

در شوش نیز بازنشستگان از کرخه و هفت‌تپه و شوش گردآمده بودند و با شعارهایی چون "زیر بار تورم شکسته پشت مردم"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، صدای اعتراض خود را به وضعیت فاجعه‌بار معیشتی، گرانی افسارگسیخته، فقر و نبود حداقل‌های زندگی انسانی فریاد زدند. در این تجمع کارگران شعار می‌دادند: "ما بیمارستان نداریم!" و این فریاد اعتراض همه مردم در این شهر است. در آخر نیز بازنشستگان سرود زیر بارستم نمی‌کنیم زندگی جان فدا می‌کنیم در ره آزادی را سر دادند. در این تجمع همچنین بیانیه‌ای قرائت شد که بر خواست‌ها و اعتراض بازنشستگان اشاره داشت. از جمله یک موضوع این بیانیه اعتراض به افزایش سن بازنشستگی و از سوی دیگر بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی و مشکلات آن برای بازنشستگان بود. تجمع‌کنندگان با فریاد شعارهای اعتراضی حمایت خود را از این بیانیه ابراز کردند.

در اهواز نیز مثل هر یکشنبه جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل ساختمان تأمین اجتماعی جمع بودند و شعار می‌دادند: "جنگ‌افروزی راه‌کن فکری به حال ما کن"، "روسی راه‌کن تورم را مهار کن"، "ننگ ما ننگ ما دولت الدنگ ما"، و "فقط کف خیابان به دست میاد حقمان".

شعارهای "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معلم زندان آزاد باید گردد" شعارهای مشترک در تجمعات بازنشستگان در شهرهای مختلف بود. در

بهر روز احسانی اسلامو و محمدجواد وفایی ثانی و با شعارهای «نه به اعدام»، «نه به احکام ظالمانه» خواستار توقف فوری روند صدور و اجرای احکام اعدام شدند.

در این روز معلمان بازنشسته مال باخته پروژه مسکن شرکت کلاهدار تعاونی سحاب فرهنگیان در برابر استانداری کرمان تجمع و اعتراض کردند و خواستار پاسخگویی مسئولان به چپاول اموالشان شدند.

امروز ۲۶ فروردین همچنین رانندگان بونکردار سیمان خوزستان در اعتراض به تبعیض در تردد و برخورد تحقیق‌آمیز پلیس راهور به آنان که منجر به توقیف مدارک برخی رانندگان شده است در سراسر ایمن کیمه دست به تجمع زدند. این رانندگان با صدای بلند فریاد می‌زدند: "چرا باید عبور بونکرهای ۲۵ تنی ممنوع باشد، درحالی که روزانه صدها تریلی ۵۰ تنی با چراغ‌سبز از همان مسیر عبور می‌کنند؟ اعتراض آنان به تصمیمات سلیقه‌ای و تبعیض‌هاست و این وضعیت آنها را با مشکلات معیشتی بسیاری روبرو کرده است.

همچنین در روز گذشته ۲۵ فروردین بیش از بیست نفر از معلمان بازنشسته از گروه «پارک‌شهر» بار دیگر برای پیگیری خواست‌های خود مقابل نهاد ریاست‌جمهوری تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی نیروهای انتظامی ابتدا مانع ورود معلمان شدند و پس از کش و قوس فراوان، تنها به ۷ نفر از افراد دارای کارت ملی اجازه ورود داده شد. نمایندگان بازنشستگان درخواست دیدار با رئیس‌جمهور یا معاون او را مطرح کردند، اما موافقت نشد و در نهایت آنها موفق با دیدار با یکی از مدیران مسئول شدند. در این جلسه معلمان با صراحت خواسته‌های خود را مطرح کردند و اعتراض خود را به وعده‌های توخالی ابراز کردند. در نهایت، مقرر شد آنها مطالبات خود را به صورت مکتوب تحویل دفتر ریاست‌جمهوری بدهند. معلمان بازنشسته نیز بر پیگیری خواست‌های خود تأکید کردند. اهم مطالبات این معلمان عبارت‌اند از: پرداخت فوری طلب معوقه شش ماهه دوم سال ۱۳۹۹، پرداخت معوقات هشت ماهه سال ۱۴۰۳ و اجرای کامل قانون همسان‌سازی، اصلاح فوری بیمه پایه؛ اینکه دارو و درمان برای سالمندان نباید کالای لوکس باشد، اجرای بی‌کم و کاست ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، اجرای کامل ماده ۸۵ با تأکید بر بیمه تکمیلی کارآمد و عادلانه.

همسان‌سازی حقوقها و افزایش آن به بالای سبد معیشتی ۶۰ میلیونی و درمان رایگان دو خواست مهم همه بازنشستگان است.

و بالاخره اینکه فشارهای امنیتی بر روی معلمان همچنان ادامه دارد و هم اکنون ۹ نفر از معلمان معترض در کرمان به دادگاه انقلاب احضار شده‌اند. یک کارزار مهم معلمان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست پایان دادن به این سرکوبگری‌ها، بسته شدن پرونده‌های امنیتی و آزادی بدون قید و شرط همکاران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است. از این کارزار وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۴۰۴، ۱۵ آپریل ۲۰۲۵

تهران دست‌نوشته‌ای با شعار "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، "نوروز ذبیحی آزاد باید گردد" قابل توجه بودند.

در این روز بازنشستگان فولاد در اصفهان و تهران و قائم‌شهر نیز تجمع داشتند. در اصفهان این بازنشستگان با شعار "دشمن بازنشسته، دولت ورشکسته"، "صندوق پر درآمد چه بر سر تو آمد"، دست به راهپیمایی زدند و پیگیر مطالبات خود شدند.

امروز ۲۴ فروردین همچنین شماری از کارگران شرکتی (ارکان ثالث - پیمانکاری) شاغل در شرکت نفت و گاز گچساران در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت استخدامی خود به دائم و حذف پیمانکاران و خلف وعده‌ها مقابل محوطه دفتر مرکزی این شرکت و مهمانسرای نرگسی تجمع کردند. کارگران می‌گویند که سال‌هاست با وعده‌های توخالی آنها را سر می‌دوانند و دیگر سکوت نمی‌کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اسفند ۱۴۰۳، ۱۳ آپریل ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر

امروز ۲۵ فروردین بازنشستگان مخابرات همانند دوشنبه‌های گذشته در شهرهای کرمانشاه، سنندج، بیجار، اصفهان، و تبریز در اعتراض به فقر و گرانی و چپاولگری‌های حاکم و نیز بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان با اشاره به نقش مستقیم ستاد اجرایی فرمان امام و تعاونی‌های وابسته به سپاه در مدیریت مخابرات و چپاولگری‌های حاکم، در شعارهای اعتراضی خود با فریاد "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم" بر ادامه اعتراضاتشان تأکید کردند.

همسان‌سازی حقوقها و افزایش آن به بالای نرخ سبد معیشتی، و درمان رایگان دو خواست سراسری بازنشستگان است. بازنشستگان مخابرات همچنین خواستار اجرایی شدن آیین‌نامه استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ فروردین ۱۴۰۴، ۱۴ آپریل ۲۰۲۵

ادامه سه‌شنبه‌های نه به اعدام و اخبار اعتراضی دیگر

امروز ۲۶ فروردین کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" شصت و چهارمین هفته خود را پشت سر گذاشت و با پیوستن جمعی از زندانیان زن در زندان زاهدان و همچنین زندان ازمیر لاهیجان دامنه آن به ۴۰ زندان کشور گسترش پیدا کرد. اعضای این کارزار در بیانیه هفتگی خود ضمن تشکر صمیمانه از حمایت‌ها، از تمام حامیان و مخالفان اعدام خواستار پیوستن وسیع مردمی به کانال تلگرام و کانال اینستاگرامی خود و یاری‌رساندن هر چه بیشتر به این کارزار شدند و خواستار این شده‌اند که "با دنبال کردن گزارش‌های هفتگی در کانال تلگرامی و پیوستن به اینستاگرام کارزار ما را بیش‌ازپیش یاری نمایند".

در این روز همچنین هم‌زمان با کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" و اعتصاب غذای جمعی زندانیان در ۴۰ زندان کشور، خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام بار دیگر در اعتراض به احکام مرگ و علیه سرکوب‌ها مقابل زندان اوین تجمع کردند. این تجمع یکی از سلسله اعتراضات علیه موج گسترده صدور احکام اعدام برای فعالان سیاسی و عقیدتی در ایران است و خانواده‌ها با در دست داشتن تصاویر ۹ زندانی سیاسی محکوم به اعدام. وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی، محمد تقوی سنگدهی، ابوالحسن منتظر، بابک علیپور، اکبر دانش‌ورکار، مهدی حسنی،

گسترده‌تر از قبل پیاپی می‌خیزیم! دست به دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم.
زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

اعتراضات به بی‌آبی و قطعی برق، و افزایش فشار بر معلمان

بحران آب و برق و جیره‌بندی آن، معضلات کاری و معیشتی بسیاری را برای مردم ایجاد کرده و این وضعیت بیش از پیش بر خشم و نفرت مردم دامن زده است. به‌ویژه در استان‌های جنوبی از جمله خوزستان و سیستان و بلوچستان وضعیت بسیار غیرقابل تحمل‌تر است. امروز ۲۸ فروردین مردم در کنار سیستان و بلوچستان در اعتراض به قطع پیاپی برق که زندگی آنها را مختل کرده است. در مقابل اداره برق تجمع کردند.

در این روز همچنین جمعیت قابل توجهی از مردم در شهرکرد در اعتراض به مافیای آب و بی‌آبی و پروژه‌های انتقال آب و سدسازی‌های پُرویه، در میدان قمر شهر تجمع کردند و با فریاد «ما آب می‌خواهیم، نه غارت!» صدای اعتراضشان را بلند کرد.

- آخرین خبر مربوط به تداوم فشارهای امنیتی بر روی معلمان است. منصوره عرفانیان، معلم معترض، در تاریخ ۲۷ فروردین در شعبه چهارم دادگاه انقلاب مشهد با اتهاماتی چون "عضویت در دسته یا جمعیت‌هایی که با "هدف برهم‌زدن امنیت کشور تشکیل شده‌اند" و "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور" مورد محاکمه قرار گرفت. یکی از مصادیق این اتهامات، جمع‌آوری امضا برای آزادی زندانیان عنوان شده است. منصوره عرفانیان در مهرماه ۱۴۰۲ نیز توسط نیروهای امنیتی در منزل خود در مشهد بازداشت و به زندان وکیل آباد منتقل شد. در جریان بازداشت، مأموران وسایل شخصی او از جمله لپ‌تاپ و تلفن همراه او را ضبط کردند. او پیش‌تر نیز در اردیبهشت ۱۴۰۱، هم‌زمان با تجمع سراسری معلمان، بازداشت و پس از چند روز با تودیع وثیقه آزاد شده بود. به فشارهای امنیتی بر روی منصوره عرفانیان و دیگر معلمان باید وسیعاً اعتراض کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ فروردین ۱۴۰۴، ۱۷ آپریل ۲۰۲۵

منشأ تعرض به دانش‌آموزان جمهوری اسلامی است

بنا به اخبار منتشر شده، معلم مدرسه ابتدایی «قلم‌چی» در روستای «کرجو» از توابع شهر سنندج ۱۳ دانش‌آموز پسر کلاس پنجم را به دلیل «گم‌شدن شارژر موبایلش» در کلاس حبس کرد و مورد ضرب‌وجرح قرار داد. بنا بر گزارش‌ها و ویدیوی منتشر شده، معلم دانش‌آموزان را تهدید کرده است که "اگر موضوع را به والدینشان بگویند، در ۱۷ سالگی اعدام خواهند شد." هم اکنون یکی از دانش‌آموزان در بیمارستان بستری شده است.

طبق خبر دیگری روز یکشنبه ۲۴ فروردین چند دانش‌آموز یک مدرسه پسرانه در شهری مورد آزار جسمی و جنسی توسط معلمشان قرار می‌گیرند. این معلم کودکان را به بهانه «تنبیه سربازی» به نمازخانه می‌برد و با لمس اعضای خصوصی بدن آن‌ها، عملاً به آزار و تعرض جنسی آنها می‌پردازد در پی انتشار گزارش‌ها درباره آزار جسمی و جنسی دانش‌آموزان این مدرسه، دادستان شهری، از تشکیل پرونده‌ای در این باره در دادسرای عمومی شهری خبر داد و گفت دستگاه قضایی «این پرونده را تا حصول نتیجه نهایی با قاطعیت دنبال خواهد کرد.»

این بار اول نیست که دانش‌آموزان مورد تنبیه بدنی و یا آزار و تعرض جنسی قرار می‌گیرند. بارها اخبار و گزارشاتی از این دست در رسانه‌ها منتشر شده است. در ساختار یک حکومت ضد کودک، نظامی که برای کودکان هیچ حقی قائل نیست، در نظامی که میلیون‌ها کودک بجای مدرسه و تفریح و شادی به کودک کار و خیابان تبدیل می‌شوند، در نظامی که دختران ۹ ساله در "مراسم تکلیف" زن محسوب می‌شوند و مقاماتی چون

سعید طوسی‌ها را از خود بیرون می‌دهد، در نظامی که آموزش روابط جنسی برای دانش‌آموزان ممنوع شده است، تجاوز، اذیت و آزار دانش‌آموزان به امری روزمره تبدیل می‌شود. مسئول این فاجعه خود جمهوری اسلامی و آموزش‌های کثیف اسلامی است و معلمی که این چنین وحشیانه با دانش‌آموزان رفتار می‌کند جایز در مدرسه نیست.

باید کل جامعه به دفاع از کودکان برخیزد و مانع تکرار این فجایع شود. در آستانه روز جهانی کارگر و روز معلم هستیم. معلمان مبارز، شرافتمند و مدافع حقوق کودک همراه با خانواده‌های دانش‌آموزان و مردم باید به اعمال ضدانسانی این عناصر و حکومت حامی آنان اعتراض کنند. باید در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های روز معلم در برابر این اعمال شنیع ایستاد و اجازه ندهیم عملکرد و تفکر تعدادی افراد به نام معلم به جایگاه واقعی معلمان شریف، مبارز و حق‌خواه لطمه بزنند. معلمان و تشکلهایشان می‌توانند نقش مهمی در مقابل این دست‌درازی به دانش‌آموزان نشان دهند. منشأ و بانی اصلی تجاوز و آزار جنسی و جسمی قبل از هر چیز حکومت اسلامی ضد کودک است و باید مورد اعتراض عمومی قرار گیرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ فروردین ۱۴۰۴، ۱۴ آوریل ۲۰۲۵

اصغر امیرزادگان، معلم معترض دستگیر شد

داود رضوی به زندان بازگردانده شد

بنا بر گزارشات منتشر شده روز شنبه ۲۳ فروردین مأمورین امنیتی با مراجعه به منزل اصغر امیرزادگان معلم معترض در استان فارس او را بازداشت کردند. از علت بازداشت و محل نگهداری این معلم اطلاعی در دست نیست.

اصغر امیرزادگان از اعضای هیئت‌مدیره انجمن صنفی معلمان استان فارس است و پیش‌تر نیز سابقه دستگیری و محکومیت داشته است. طبق خبرها او اخیراً در دو پرونده با اتهامات توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام به ۲ سال و یک سال حبس محکوم شده است.

اتهامات اصغر امیرزادگان بر اساس گزارشات وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه و مستنداتی چون پیام‌های منتشرشده در فضای مجازی عنوان شده است. اصغر امیرزادگان در دفاعیات خود اعلام کرده که گفته‌های وی در دفاع از حقوق بر حق خود و در اعتراض به وضعیت معیشتی معلمان و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان بوده است. معلمان همواره در بیانیه‌های اعتراضی خود بر آزادی فوری همکاران زندانی و زندانیان سیاسی تأکید کرده‌اند و هم اکنون شعارهای معلم زندانی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، معترض زندانی آزاد باید گردد به شعارهای کف خیابانی تبدیل شده است.

خبر دیگر اینکه داود رضوی فعال کارگری و عضو سندیکای کارگران شرکت واحد در بعدازظهر روی ۲۳ فروردین بعد از ۵ روز مرخصی به زندان بازگردانده شد.

داود رضوی در تاریخ ۵ مهر ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی به منزلش، دستگیر شد و به زندان اوین منتقل گردیده بود. او در روز ۱۶ فروردین ۱۴۰۴، پس از ۹۵۴ روز حبس بدون حتی یک روز مرخصی، به طور موقت و تنها برای پنج‌روز از زندان آزاد شده بود. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد داود رضوی در مدت مرخصی، دیدار حضوری ای با دادستان تهران داشت و دادستان به‌صورت شفاهی با تمديد مرخصی وی به مدت پنج‌روز دیگر موافقت کرده بود. با این حال، صبح روز ۲۳ فروردین دایره نظارت بر زندانیان سیاسی با او تماس گرفته و خواستار معرفی مجدد وی به زندان شدند و در دادستانی نیز گفته شد که

هیچ تأیید رسمی از سوی دادستان وجود ندارد و او باید به زندان بازگردد. داود رضی با وجود درد شدید و مشکل جسمی در ناحیه دست چپ، فرصت مراجعه به دکتر و درمان را نیز نیافت و در همان وضعیت جسمی به زندان بازگردانده شد. سندیکای واحد ضمن گزارش این خبر و محکومیت بازداشت مجدد وی علی‌رغم وضعیت بد جسمانی‌اش بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط داود رضوی و ابراهیم مددی یکی دیگر از اعضای این سندیکا که هم اکنون در زندان است و دیگر کارگران، معلمان، زنان و فعالان اجتماعی تأکید کرده است.

اصغر امیرزادگان و داود رضوی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی هم صدا با سندیکای شرکت واحد دستگیری داود رضوی و اصغر امیرزادگان را محکوم می‌کند و بر آزادی تمام کارگران و معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی تأکید دارد.

روز جهانی کارگر نزدیک است و با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و با درست‌داشتن عکس و پوستر همه عزیزانی که در زندان‌اند، این روز را به‌روز اعتراض سراسری علیه بساط سرکوب و زندان حکومت تبدیل کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

۲۵ فروردین ۱۴۰۴، ۱۴ آپریل ۲۰۲۵

بیانیه مطبوعاتی کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

بیانیه مطبوعاتی کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

در محکوم کردن جنایت رخ داده علیه جمشید شارمهد با

خواست تحقیقات مستقل دادستانی فدرال آلمان و

مراجع بین‌المللی



جنایت محکوم است / این جنایت محکوم است / این جنایت محکوم است

در محکوم کردن جنایت رخ داده علیه جمشید شارمهد با خواست تحقیقات مستقل دادستانی فدرال آلمان و مراجع بین‌المللی ریودن اعضای بدن جمشید شارمهد زندانی سیاسی دو تابعیتی، پس از قتل دولتی وی، مصداق «جنایت تمام‌عیار علیه بشریت» است!

جمهوری اسلامی در ۷ آبان ۱۴۰۳ اعلام کرد جمشید شارمهد، زندانی سیاسی دو تابعیتی را اعدام کرده است. بعد از شش ماه، روز جمعه ۲۲ فروردین ۱۴۰۴ در حالی مراسم یادبود جمشید شارمهد برگزار شد که خانواده او رسماً اعلام کردند، زیان، قلب، غده تیروئید و حنجره از بدن او خارج شده است. این موضوع باعث افزایش تردیدها درباره علت واقعی مرگ او و تلاش برای پنهان‌سازی شواهد مرگ وی شده است. کالبدشکافی همچنین مشخص کرده که علایمی از اعدام بر بدن او ندیده‌اند، اما این احتمال که جمشید شارمهد با خوراندن زهر کشته شده است را رد نکرده‌اند.

۷ آبان ۱۴۰۳ دادستانی تهران در بیانیه‌ای اعلام کرد که جمشید شارمهد «با حکم دادگاه صالح محکوم» و روز هفتم آبان «به سرای اعمالش رسیده است» اما چند روز بعد، سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدعی شد که جمشید شارمهد اعدام نشده و پیش از اجرای حکم، فوت کرده است.

اجرای حکم اعدام و برداشتن اعضای بدن زندانیان نه تنها نقض فاحش حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی علیه شکنجه و رفتارهای غیرانسانی است، بلکه مصداق «جنایت تمام‌عیار علیه بشریت» به شمار می‌رود.

جمشید شارمهد، ریوده شد، شکنجه شد و نهایتاً به قتل رسید و امروز به دنبال سکوت دولتها و مراجع بین‌المللی، جمهوری اسلامی اعضای بدن یک انسان را وحشیانه از بدن او خارج می‌کند. کمیته آزادی زندانیان سیاسی ضمن اعلام انزجار و خشم خود از اقدام نفرت‌انگیز و وحشیانه جمهوری اسلامی برای پنهان کردن حقیقت در به‌قتل‌رساندن جمشید شارمهد از دادستانی فدرال آلمان می‌خواهد فوراً تحقیقات مستقل کیفری علیه مقامات جمهوری اسلامی مسئول، مرگ جمشید شارمهد را آغاز کند.

«ریودن فعالین سیاسی»، «گروگان‌گیری» و «اعدام فعالین سیاسی» مانند مواردی چون ریودن و اعدام روح اله زم، ژورنالیست مستقل و زندانی سیاسی و ریودن و قتل جمشید شارمهد، فعال سیاسی و زندانی سیاسی دو تابعیتی، از سیاست‌های سیستماتیک رژیم و مصداق «جنایت علیه بشریت» است.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران، ضمن اعلام خواست پیگیری مستقل چگونگی قتل دولتی جمشید شارمهد، هم چنین از مجامع و نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی می‌خواهد که ضمن محکوم کردن این جنایت، جمهوری اسلامی را مجبور به پاسخگویی کنند.

نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم!

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

۱۵ آوریل ۲۰۲۵، ۲۶ فروردین ۱۴۰۴

زنده باد انقلاب

زن، زندگی، آزادی

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۴۰۴ تا ۲۹ فروردین

جمعه ۲۹ فروردین

توقیف مدارک برخی رانندگان شده است در سهرای کیمه دست به تجمع زدند. این رانندگان با صدای بلند فریاد می‌زدند: "چرا باید عبور بونکرهای ۲۵ تنی ممنوع باشد، درحالی که روزانه صدها تریلی ۵۰ تنی با چراغ‌سبز از همان مسیر عبور می‌کنند؟ اعتراض آنان به تصمیمات سلیقه‌ای و تبعیض‌هاست و این وضعیت آنها را با مشکلات معیشتی بسیاری روبرو کرده است.

- یک سرتیتر خبرها این است "اهواز هوا ندارد". از شب قبل این روز با نفوذ توده عظیم گردوخاک از عراق و عربستان به خوزستان، هوای تمام شهرهای این استان در وضعیت خطرناک قرار گرفت و طوفان شن و خاک مردم را عاصی کرده است. غلظت گردوخاک در اهواز ۶۷ برابر حد مجاز شد. فاجعه زیست محیطی در استان خوزستان بیداد می‌کند. مردم ناگزیر به ماندن در خانه، بستن پنجره‌ها و کشیدن پرده‌ها شده‌اند. گویی خانه‌ها با گل ماله کثی شده است. شرایطی که آسیب‌های جدی به مردم و همچنین به احشام آنها را در پی دارد. در این روز تمام ادارات و مدارس و دانشگاه‌های استان خوزستان تعطیل اعلام شد. ناتوانی حکومت در اداره جامعه و بساط چپاولگری‌هایش یک موضوع سراسری اعتراضات مردمی است.

دوشنبه ۲۵ فروردین

- فرشاد اورکی، شهروند اهل ایذه، توسط دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان به پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی به‌جای سه ماه حبس محکوم شد. این حکم به مدت یک سال تعلیق شده است. اتهام او "فعالیت تبلیغی علیه نظام" از طریق ارسال کلیپ در فضای مجازی عنوان شده است. با احکام تعلیقی حکومت می‌کوشد مردم معترض را مرعوب کند. اما گسترش اعتراض نشانگر بی‌ثمر بودن سرکوبگری‌های حکومت است.

- خبرها بازهم از آلودگی هوا در شهرهای اهواز و اندیمشک در این روز گزارش می‌دهد. در گزارشات دریافتی از هشدادهنده بوده وضعیت هوا و آب و بحران زیست محیطی در خوزستان خبر می‌دهند. در گزارشی نوشته شده: "بحران زیست محیطی زندگی روزمره مردم را به خطر انداخته و گردوخاک و آلاینده‌ها بر سلامت و کیفیت زندگی مردم اثرات ویرانگر داشته‌اند. خود ما مردم باید کاری کنیم."

- طی روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین هفت زن خواننده ساکن بهبهان طی تماس‌های تلفنی، توسط اطلاعات سپاه و بسیج ناحیه بهبهان احضار شده و تحت بازجویی قرار گرفتند. الهه میراحمدی، مهسان احترامی، نگین منصوری نژاد، آذر دخت طاهریور، رامش سید، مژده نصیری و زلفا جماشیانی پس از حضور در محل اعلام شده، توسط مأموران زن مورد تفتیش بدنی قرار گرفتند و سپس هر یک از آنها در سالی که مجهز به یک صندلی محصلی، یک میز و دوربین فیلم‌برداری بود، در حضور دو نفر، به مدت تقریبی دو ساعت بازجویی شدند. این افراد پس از بازجویی همراه با تهدید به اینکه پرونده آنها به دادگاه اهواز ارسال خواهد شد از ادامه فعالیت هنری منع شدند.

در مقابل ممنوعیت آوازخوانی زنان، فعال‌بودن وسیع زنان خواننده خود کارزاری علیه آپارتاید جنسیتی حکومت است. در همین راستا بیانیه‌ای با ۱۶۱ امضا از داخل و خارج کشور تحت عنوان "آواز زنان، پژواک آزادی؛ سرکوب صدای زن، سرکوب آزادی است" منتشر شده است. امضاکنندگان این بیانیه با صدای بلند صدای اعتراض خود را بلند

فرامرز سده‌ای، شاعر اهل خوزستان و عضو کانون نویسندگان، بر اساس حکمی که به‌تازگی از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب ماهشهر صادر شده است، مجموعاً به بیش از ۲۲ ماه حبس محکوم شد. در این رأی که در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ صادر شده، فرامرز سده‌ای به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به هفت ماه و نیم و به اتهام "توهین به رهبری" به ۱۵ ماه حبس تعزیری محکوم شده است که اشد مجازات یعنی ۱۵ ماه حبس برای او قابل اجرا خواهد بود.

واحد خوزستان کمیته سازمانده بر پایان یافتن امنیتی کردن مبارزات و بسته‌شدن تمامی پرونده‌های امنیتی فعالین سیاسی آزادی بدون قیدوشرط تمامی زندانیان سیاسی تأکید دارد.

پنجشنبه ۲۸ فروردین

وضعیت اسفناک شهرها و فاضلاب‌ها نمایندگان حکومتی را هم وادار به عکس‌العمل کرده است. موسوی‌زاده نماینده مجلس اسلامی در این روز گفت "وضعیت اسفناک سیستم دفع فاضلاب در شهرهای خوزستان منظره‌ای شمشیرزنانه و تهدیدی جدی برای بهداشت عمومی ایجاد کرده، بوی تعفن کوچه‌ها و خیابان‌ها گواه این بی‌تدبیری است." او در سخنانش همچنین به سنگینی بختک بیکاری بر روی جوانان صحبت کرد و در آخر هم به شروع فصل گرما و قطعی‌های برق و قطع آب شرب مردم و تعطیلی پروژه‌ها و سوءمدیریت وزارت نیرو اشاره کرد. این سخنان بازتابی از فضای اعتراضی جامعه و از جمله در استانی مثل خوزستان، این کانون داغ اعتراضی و وحشت حکومت از سر بلندکردن اعتراضات گسترده مردمی در را به نمایش می‌گذارد.

چهارشنبه ۲۷ فروردین

- ۲۵ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی اهواز پس از صرف غذای سلف، دچار مسمومیت شدند و به مراکز درمانی منتقل شدند. این اتفاق تنها یک حادثه نیست، بلکه نشانه‌ای دیگر از غیراستاندارد بودن سطح خدمات نهادهای اجتماعی و ناتوانی سیستم حاکم است که در همه‌جا باعث آسیب به مردم می‌شود. این موضوع بازتاب اجتماعی گسترده‌ای پیدا کرده و موجب اعتراض دانشجویان شده است. دانشجویان وزارت بهداشت و وزارت علوم و کل حاکمیت چپاولگر را شریک و مسئول این وضعیت می‌دانند.

- آلودگی هوا تأمین معیشت را برای همه مردم سخت‌تر و دشوارتر کرده است. در این روز وضعیت هوا در اهواز و آبادان به مرحله‌ای وحشتناک رسید. به‌طوری‌که شعاع دید در برخی نقاط تنها ده متر بود. قطعی برق نیز باعث شده که پمپ‌های آب از کار بیفتند و آب آشامیدنی مردم با خاک مخلوط شده است!

مردم می‌گویند نه هوا برای نفس کشیدن هست و نه آب برای زنده ماندن. شرایطی که بر خشم و نفرت مردم شدت داده و زمزمه‌های اعتراض گسترده است و کار به تشکیل "جلسات بحران" توسط حکومتی‌ها کشیده شده است.

سه‌شنبه ۲۶ فروردین

- امروز ۲۶ فروردین رانندگان بونکردار سیمان خوزستان در اعتراض به تبعیض در تردد و برخورد تحقیق‌آمیز پلیس راهور به آنان که منجر به

آن، در تاریخ ۱۷ آذرماه، این دو شهروند در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری اهواز به ریاست قاضی پورسراج در خصوص بخش دیگری از پرونده خود محاکمه شده بودند. امان جلالی نژاد و مهدی معمار و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

چهارشنبه ۲۰ فروردین

- روز چهارشنبه ۲۰ فروردین، کارگران آزمونی (در مسیر استخدام) پالایشگاه بیدبلند بهبهان در اعتراض به سطح نازل حقوق، مالیات زیاد، تبعیض در پرداخت و وعده‌های توخالی دست از کار کشیدند و در محل کارشان تجمع کردند. حدود چهار سال و نیم از شروع به کار این کارگران در پالایشگاه گذشته اما مدیرعامل هنوز به وعده‌هایی که زمان استخدام به آنها داده عمل نکرده است. به گفته کارگران از جمله قرار بوده مزایای مزدی و رفاهیات به کارگران داده شود؛ اما این وعده‌ها جامه عمل نپوشیده است. روز اول به آنها گفته شده که هم سطح حقوق کارگران پالایشگاه‌های ماهشهر به آنها پرداخت می‌شود؛ اما بعد از ۴ سال، افزایش حقوقی انجام نگرفته و مزد بسیار کمتری گرفته‌اند و ضربه حقوقی آنها ۳ است؛ اما با ضربه ۴ حقوق می‌گیرند. این در حالی است که امکانات رفاهی در پالایشگاه بیدبلند محدود است. یک خواست دیگر آنها کاهش مالیات از دریافتی‌هاست.

- دو شهروند اهل ایذه، حجت آل محمدی و محمد طهماسبی، بیش از ۲۰۰ روز است که به صورت بلا تکلیف در زندان شیبان اهواز زندانی شده‌اند. واحد خوزستان بر آزادی فوری آنها و تمامی زندانیان سیاسی تأکید دارد. این دو زندانی سیاسی در یک پرونده قضایی مشترک پیش‌تر در دادسرای اهواز از بابت اتهاماتی از جمله تبلیغ علیه نظام، اخلاف در نظم عمومی و همکاری با گروه‌های مخالف نظام مورد بازجویی قرار گرفته بودند. چندی بعد پرونده آنها از دادسرای اهواز به شعبه دو دادسرای ایذه ارسال شده است. "قرار بازداشت این افراد ابتدای هر ماه تمدید می‌شود.

محمد طهماسبی زندانی سیاسی اهل ایذه در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۴۰۳، توسط نیروهای امنیتی در ارومیه بازداشت و سپس به اهواز منتقل و پس از گذشت بیش از ۴۰ روز و اتمام مراحل بازجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز به زندان شیبان منتقل گردید. محمد طهماسبی از دسترسی به وکیل نیز محروم مانده است. او از بیماری‌های چسبندگی روده، تنگی نفس و درد در ناحیه قفسه سینه رنج می‌برد.

حجت آل محمدی نیز در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۳، توسط چند تن از نیروهای امنیتی در منزل شخصی‌اش در ایذه بازداشت شد و پس از اتمام مراحل بازجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز به بند پنج زندان شیبان انتقال یافت. او پیش از این سابقه دستگیری و محکومیت داشته است.

واحد خوزستان بر آزادی فوری و بدون قید و شرط محمد طهماسبی و حجت آل محمدی و درمان فوری محمد طهماسبی تأکید می‌کند.

سه‌شنبه ۱۹ فروردین

- جمعی از بازنشستگان صنعت نفت با تجمع مقابل صندوق رفاه و امور بازنشستگی در امانیه اهواز، با در دست داشتن پلاکارد و سردادن شعار، خواستار رسیدگی فوری به مطالبات معیشتی، درمانی و رفاهی خود شدند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "کرامت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست".

دوشنبه ۱۸ فروردین

- شرکت توزیع نیروی برق خوزستان جدول خاموشی شهرهای مختلف این استان را که از روز نوزدهم اجرایی می‌شود اعلام کرد. بحران برق می‌رود که زندگی مردم در تمام استان‌ها را فلج کند. برق نیز دارد جیره‌بندی می‌شود. بحران برق مشکلات معیشتی خانواده‌ها و اخلاف در چرخه تولید جامعه را در پی دارد. قطعی برق بسیاری از مراکز تولیدی را

کرده و می‌نویسند: "سرکوب آوازه‌خواهی زنان، جنایتی علیه هنر و آزادی بیان، نقض حقوق انسانی و خشونت آشکار علیه زنان است. ما تلاش حکومت برای حذف صدای زن را به شدت محکوم می‌کنیم و از تمامی زنان خواننده قاطعانه حمایت می‌نماییم." واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری دادگاهی کردن هفت زن خواننده در بهبهان را قاطعانه محکوم می‌کند.

یکشنبه ۲۴ فروردین

- بازنشستگان تأمین اجتماعی برای پیگیری خواست‌هایشان در چندین شهر کشور از جمله در شوش و اهواز در خوزستان تجمع کردند. بخش‌های مختلف بازنشستگان مدام در اعتراض به فقر، گرانی، و چپاول حقوقها و ذخیره‌هایشان در صندوق تأمین اجتماعی و غیره به خیابان می‌آیند و اعتراض می‌کنند. آنها خواهان افزایش حقوقها بر اساس سبد معیشتی ۶۰ میلیونی، اجرای همسان‌سازی‌ها و درمان رایگان هستند که در شعارها و بیانیه‌هایشان بازتاب دارد.

شنبه ۲۳ فروردین

- مدیرعامل سازمان آب و برق خوزستان از کم سابقه بودن خشکسالی استان خوزستان در سال جاری می‌گوید: "خوزستان امسال یکی از خشک‌ترین سال‌ها در ۶۰ سال گذشته را پشت سر می‌گذارد که مدیریت این شرایط نیازمند همراهی کشاورزان، صنایع و مردم است."

حکومتیان از سر بلند کردن دوباره اعتراضات کشاورزان و مردم این استان علیه بی‌آبی وحشت دارند و هشدارهایشان شروع شده است.

- حکومت اسلامی حکومت زندانی و سرکوب و اعدام است. وضعیت جنایت‌بار زندان‌ها یک موضوع اعتراض زندانیان و خانواده‌هایشان و فعالین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است. یکی از این زندان‌ها زندان سپیدار اهواز است که در آن بارها زندانیان به نشانه اعتراض دست به اعتصاب زده‌اند. گزارشات منتشر شده از این زندان‌ها از تراکم زیاد زندانیان و وضع بسیار وخیم بهداشتی زندان‌ها و محرومیت زندانیان از دارو و درمان به عنوان بخشی از شکنجه و آزار سیستماتیک زندانیان سخن می‌گوید. ابعاد گسترده این اعتراض حکومتیان را به عکس العمل واداشته است. از جمله امیر خلفیان دادستان عمومی و انقلاب جنایت کار حکومت در اهواز در بازدید از زندان سپیدار اهواز و تراکم زندانی در آنجا گفت "تسریع در رسیدگی‌های قضایی به‌ویژه پرونده‌های متهمانی که در زندان به سر می‌برند، جزو اولویت‌های جدی دستگاه قضا است."

جمعه ۲۲ فروردین

- جمهوری اسلامی وضعیتی ایجاد کرده که در استان‌های بسیاری برق و گاز و حتی آب جیره‌بندی شده است. در خوزستان قطعی برق به معضلی جدی تبدیل شده است. طبق گزارشات در بسیاری از مناطق، برق حداقل یک یا دو بار در روز قطع می‌شود و در شهرهایی مانند خرمشهر و آبادان بیش از این است. از جمله اهالی شلمچه در خرمشهر از قطع برق دو بار در روز خبر می‌دهند. باتوجه به افزایش دما و گرمای شدید، این وضعیت نگرانی‌های زیادی را برای مردم به همراه داشته است.

پنجشنبه ۲۱ فروردین

- با گذشت حدود یک سال از زمان بازداشت، امان جلالی نژاد، معلم و متهم سیاسی، کماکان در وضعیت بلا تکلیف در بند ۵ زندان شیبان اهواز نگه داشته شده است. پرونده او اخیراً از شعبه سوم دادگاه عمومی و انقلاب اهواز به دادسرای این شهر ارجاع شده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان تحولات پرونده نشان می‌دهد که اوایل بهمن‌ماه سال جاری، پرونده مشترک جلالی نژاد و مهدی معمار به دلیل عدم حضور قاضی از شعبه چهارم دادگاه انقلاب اهواز به شعبه سوم همان دادگاه منتقل شده بود. پیش از

هوا کارشان به بیمارستان کشیده شده است و قربانی بسیاری داده‌اند. اعتراض به هوای ناسالم همواره یک موضوع اعتراضات مردم در استان خوزستان بوده است. بر اساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، در این روز شاخص کیفیت هوا بر اساس اندازه‌گیری ذرات معلق با اندازه ۲٫۵ میکرون در ایستگاه آبادان ۱۵۴ میکروگرم بر مترمکعب بوده، و هوای این شهر در وضعیت «ناسالم» و «قرمز» بوده است. همچنین هوای اهواز در وضعیت «نارنجی» و «ناسالم برای گروه‌های حساس» قرار داشت.

شنبه ۱۶ فروردین

- در ادامه اعدام‌های هر روزه، متأسفانه حکم اعدام ظهیر شمسی ۳۲ ساله در زندان شیبان اهواز به اتهام قتل در این روز اجرا شد. ظهیر شمسی اهل دزفول بود و از چهار سال پیش به اتهام قتل پسرخاله‌اش بازداشت و به مجازات شنیع اسلامی قصاص محکوم شده بود. او پیش از بازداشت کاشی کار و سرامیک کار بود. اعدام تحت هر عنوانی باید لغو شود. تمامی مجازات‌های شنیع اسلامی باید به‌دور ریخته شوند و جمهوری اسلامی این حکومت اعدام و زندانی نابود گردد.

جمعه ۱۵ فروردین

- کارگران شرکت نفت بخش تأسیسات، از سطح نازل حقوقها، دلاری بودن هزینه‌ها و افزایش روزافزون نرخ دلار و گرانی روزافزون قیمت اجناس ضروری زندگی خبر می‌دهند. این کارگران می‌گویند نفت به دلار فروخته می‌شود، حقوق ما کارگران نفت هم باید دلاری باشد.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۲ فروردین ۱۴۰۳، ۱۱ آپریل ۲۰۲۵

دچار اختلال کرده و بر سونامی بیکاری شدت داده است. قطعی‌های برق، کار بیمارستان‌ها و امور اولیه جامعه را نیز مختل کرده است. بحران برق در کنار بحران آب و ناتوانی حکومت در اداره جامعه و تأمین نیازهای اولیه مردم، باعث خشم همه مردم شده است.

یکشنبه ۱۷ فروردین

. بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه تجمعات روزهای یکشنبه خود در شهرهای مختلف از جمله در اهواز و شوش تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان بنرهایی در دست داشتند که از جمله این شعارها و مضامین را داشت "خط فقر بالای ۵۰ میلیون"، "تورم دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" توجه‌ها را جلب می‌کرد. بازنشستگان شعار می‌دادند "شورای عالی کار، حامی سرمایه‌دار"، "روسی رارها کن، تورم را مهار کن"، "حقوق بازنشسته، فقط برای یک هفته"، "معیشت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "فقط کف خیابان به دست میاد حقمان"، "فقر و فساد همین جاست، حروم‌زاده آمریکاست"، "خط فقر ۱۰۰ میلیون/ حقوق ما ۱۰ میلیون"، "غارتهای نجومی/ فلاکت عمومی"، "اسماعیل گرمی آزاد باید گردد"، "نوروز ذبیحی آزاد باید گردد"، "ابراهیم مددی آزاد باید گردد"، و "تا حق خود نگیریم/ یکشنبه‌ها همین‌جا".

- کارگران مجتمع هفت‌تپه نسبت به کم‌آبی مزارع نیشکر هفت‌تپه و کاهش میزان آب تخصیص داده‌شده به این مزارع دست به تجمع زدند.

- آلودگی هوا به‌خاطر سیاست‌های تخریبی زیست‌محیطی حکومت همچنان یک معضل اجتماعی در شهرهای مختلف به‌ویژه در شهرهای خوزستان است. در این استان‌ها شهروندان هر روز به‌خاطر مسمومیت



اخبار خوزستان



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید